

بمکتب فرانسه که هم سرحد اولایت است که بنحی اندو حاکم نور که یکی از بلوکات اسپانیول است صاحب منصب بخاک فرانسه فرستاده است که بجاگم آنطرف سرحد گفتگو نماید در خصوص باغیان که با بنجا کرختند

حرب سخته خارج شخرد و بنجارج نفرستند و بمکتب بلژیک خبرین حکمی جاری کرده اند و در اکثر ممالک است نیز این حکم را داده اند

از فرایکه در روزنامه پورتو فال نوشته اند پادشاه اولایت که فرانسویان و در ضمن است و موافق قانون آن مملکت تا بنجد شده است اوقت مملکت را نمی تواند بکند درین اوقات بنا دارد بممالک خارج سفر و سیاحت نماید و همه کس تعریف و توصیف از فهم و وفایت و دکاوت پادشاه مزبور نماید

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از مؤسسه کاغذی رسیده بود که تا بیخ او سیرده هم جهادی الاخر بود و نوشته بودند که در راه نسبت با اولایت مرستان بسیار سخت شده بود باران زیاد و برف بسیار باریده بود و بجهت شدت بارندگی آن فصل میباشد و اشتمد که امسال حاصل از برقم در آنجا فراوان میباشد

### سنگی و نیای شمالی

در یکی از روزنامه های نیویارک سنگی دنیای شمالی نوشته اند که در بود که مردم بکل شهرهای اولایت رفته و هر چه تفنگ سربازی در آنجا می بستند میخیزند و تعمیر میگردند و بشهر نیویارک میفرستادند و کسی نمیدانست که این تفنگها را بچه میخیزند و با بنجا میفرستند بعضی مردم بکلان داشتند که خلق باز میخواستند بجزیره کوبه بروند و لکن بعضی نداشتند که تفنگهای مزبور را برای چه میخیزند و تعمیر نمایند چند وقت پیش ازین یک بار و ط خانه در اولایت تیس گرفت بعد شهرت کرد که عجله آن بار و ط خانه مشغول ساختن دو کور و فشنگ جنگی بود و سبب ساختن فشنگ جنگی نیز مخفی بود و معلوم نمود که برای چه

قافله بزرگ که از بغداد بایست بیاید هنوز نرسیده بود و بجهت اینکه از راه بیتر رفت بود صاحب منصبی که از دولت فرانسه در عربستان شده بود که اسبهای عربی اصیل و خوش ذات بجهت الحی دولت فرانسه بخرد و به بغداد رسیده بود و شش اسب از مملکت نجد خرید و مسرعه خود آورده بود و از آنجا که بود که بموصل برود

### احوال متفرقه

حکمران مملکت پاریس که یکی از ممالک کوچک ایتالیا می باشد تا بیخ میست و بنهم جهادی الاخر کشته شده است و قاتلش هنوز بیست چاکران دیوان یافتاده و نتوانسته اند بگیرند و تا بحال معلوم نشده است که او را از چه کشته اند دو کتین پرستی و استریه حکم کرده اند که این دو اولایت کتیا

تالی میشود که اهل انگلیس و اهل سنگی و نیای شمالی بنا دارند نهری بسازند مابین بحر محیط اطلنیک و بحر محیط معتدل که کشتی که بایست سمت شرقی سنگی دنیا سمت غربی اولایت برود لازم باشد که کل اولایت را دور بزنند که دو ماه بلکه سه ماه راه است چونکه خشکی مابین بحرین مزبور بیشتر از شش فرسخ نیست امید دارند که بتوانند نهری بزرگ بسازند که کشتی از آنجا عبور نماید و درین روزها از دولت انگلیس و از دولت سنگی و نیای شمالی عهد بستن فرستاده اند که راه مزبور را ملاحظه نمایند جانی مابین بحرین و بحرین بیشتر از پنج فرسخ نیست و از تعاش از بحر محیط است و جهت در چونکه اشکالی که در ساختن نهر مزبور ملاحظه می شد این بود که از کوه

۱۱۳

بایست بگذرد حال چونکه این راه چندان ارتقاعی ندارد  
 امید دارند که ساختن راه مزبور چندان مشکل نباشد و بنا  
 گذاشته اند که هر کس که میل داشته باشد تتخواه در ساختن  
 نهر بگذارد و شریک منفعت او باشد و چونکه بسبب معدن  
 طلای کلی فارس که این نهر یکی از راههای عمده آنجا میشود و تردد  
 بسیار ازین نهر خواهد شد مکان کلی دارند که نفع زیاد بر آن  
 آنها که تتخواه در ساختن نهر مزبور میکنند عاید بشود

از قراریکه در روزنامه لندن نوشته بودند خلیل بیگ  
 پسر نامنی پاشا وزیر تجارت که در آن ولایت سیاحت  
 میکرد درین اوقات در لندن مرحوم گردیده است

از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند با مردم  
 زیاد از مملکت انگلیس و بعضی ممالک سه بینگی دنیا میروند  
 در زمستان گذشته بسبب طوفان و تشویش دریا کتر  
 میرفتند و مکان داشتند که در فصل چهارم مردم زیاد ازین  
 ممالک بولایت سیکی و نیابرونند و از همه جا در کار رفتن بودند  
 بطوریکه در بعضی بلوکات مملکت ایرلند زراعت کاران کم یا  
 شده بودند که اغلب بولایت سیکی و نیابرونند و بجزایر  
 که ولایت ایرلند چنان جمیت وافر داشت که کزان مردم  
 بصورت می شد

ولی پاشا ایچی مخصوص و وزیر مختار بجانب دولت عثمانیه  
 پادشاهان فرانسه و بلژیک مامور شده است و در پاریس  
 جمادی الاخر از پاریس پای تخت فرانسه وارد پاریس  
 پای تخت بلژیک و کهنور پادشاه بلژیک اعطاء نامه خود را

۱۱۰۴

از جانب اعلیحضرت سلطان پادشاه بلژیک داده بود  
 و رسم در روزنامه بلژیک نوشته اند که مشا را به بلژیک  
 رفته بود که کارخانه های آن شهر سیاحت و تماشا  
 نماید

در بین نوشتن روزنامه از فرنگستان روزنامه مجد رسید  
 و تاریخ آنها از پاریس پای تخت فرانسه است و جمادی  
 بود و از لندن است و دویم ماه مزبور و از سایر پای تخت های  
 فرنگستان نیز روزنامه رسید و در باب اعتشاش مملکت سیاحت  
 درین روزنامه نوشته اند که از هر طرف که باغبان باغش  
 برخواستند بودند چاکران دیوان با آنها غالب آمده و نظم  
 و انضباط کده شده بودند تا پرده اعتشاش را فرو نشاندند  
 و هدری قشون نیز بر سر حد فرانس فرستاده بودند که گذارند  
 باغبان از آن سرحد بولایت فرانس بگریزند اکثر باغبان  
 بکومستان بولایت فرانس کرده اند و بعضی شان بولایت فرانس  
 رسیده اند و در خصوص آنها که رفته اند گفتگویی ما بین دو  
 شده بود و چونکه دوستی و اتحاد ما بین دو رئیس فرانس و سیاحت  
 زیاد است درین باب قیاری خواهند داد

و یک روزنامه نوشته بودند که تاریخ دهم ربیع  
 در اسلامبول چهار ساعت از شب رفته طوفان ببار  
 شده بود اول هوا قدری ابر داشت و بعد از آن درشت  
 باد صاف شده بود و مادامیکه بار ببارین شدت میزدند  
 هوا خیلی صاف بود و دو ساعت این شدت باد طول  
 کشید بسیاری از دودکشها و پنجره و غیره از شدت  
 باد شکسته بود و ضرر کثیفی به آنها که در لنگرگاه اسلامبول  
 لنگر انداخته بودند ازین باد رسیده بود

در یکی از روزنامه های منته نوشته شد که در پنجاه و پنج سال سابق بر این فرنگستان با عیان لایت بعد از اسباب حرب از ایام قدیم تصرف کرده بودند و بعد از آنکه آن ولایت نظم گرفت و قانون دولتی که داشتند برتسار شد این اسباب غایب بود چونکه اسباب مزبور یادگار جنگ و ویت و سی سال پیش ازین بود نطق از کم شدن این اسباب بغایت متاسف بودند و این وزیر کاغذی بزودی از آن اسباب لایت آمد است پھر دستخط که معلوم نیست که نوشته است و درین کاغذ نوشته اند که اسباب مزبور برقرار است و اگر دولت بخواهد پانصد فلان پول آنجا که تخمینا سیصد تومان پول ایران میباشد بدهد اسباب مزبور کلا در میشود و ازین جهت امیدوارند که اسباب مزبور باز بدست بیاید

در ایام جنگ در میان دول فرنگستان قاعده بود که هر کشتی از دشمنان که در روی ریامید بند تاخت و غارت مینموده و خود تجارت ازین بند خود میکشید و کشتی تیز رو که چک پرازتوب و تفنگ و سایر اسباب بدریا میفرستادند که کشتی دشمنان را تاخت ممانند چون این عمل قاعده جنگ و دولت که هرگز در خشکی مال مردمیکه و غل بچنگ ندارند و تجارت میکنند حال بنا دارند در دریای این قاعده را موقوف نمایند و درین باب هم ما بین دول فرنگستان کشکونی شده است و دولت جمهوری نیکی و نیامی شمالی نیز داخل این عهد نامه میشود و متعهد شده است که گذار و اهل خودشان کشتی جنگی ساختن برود بطرف دولتیکه بود و دیگر جنگ داشته باشد جنگ بکنند و کشتی تجار را تاخت و غارت نمایند

در مملکت پورتو قال در آخر زمستان گذشته هوا بطوری سرد شد بود که بسیاری از مرکبات از سرما خشکیده بودند و از آن راه که

گذران اهل آن ولایت از مرکبات است که هم در ولایت خودشان بصرف میروند و هم زیاد بخارج میفرستند گمان ازند که خلق ازین سبب ضرر زیاد بکشند درخت زیتون نیز ازین سرما ضرر رسیده است و در رومه مردم بسیار تنگی بجهت گرانی آذوقه میکشند و مشدین از خیابان افساد و هشتاد از جمله یک نفر که گمان میکردند که جاسوس پس بود در روز روشن در کوچه کشتند و قاتل آن هنوز بدست نیامده است مردم دیدند که دو نفر جوان هر دو کار و بسینه آزرده و چند زخم بازرده کشتند و این مرغلدر معاوم شده است که قشون فرانسه را آنجا نظم نگاه میکنند برهم خوردی کلنی را آنجا میشد و در این روزها چند نفر از آنها که دولت با ایشان گمان بد هشتاد کرده و مجوسس کرده اند در شهر مرد

از قراریکه در روزنامه ستاکوم پای تخت مملکت سوید نوشته اند پادشاه آنجا حکم کرده است که پنج فوج برودند بجزیره کاتلند که رود بر آن مملکت و در رویای البتیک و اعتت و مشورتخانه آن ولایت قرار دادند که دو انزده طیان فرانک که تخمینا دو کور و دو ویت هزار تومان پول ایران سپه باشد در تعمیر حصار و حاضر کردن قشون خرج بشود که اگر جنگی اتفاق بیفتد آن ولایت بی تدارک نباشد

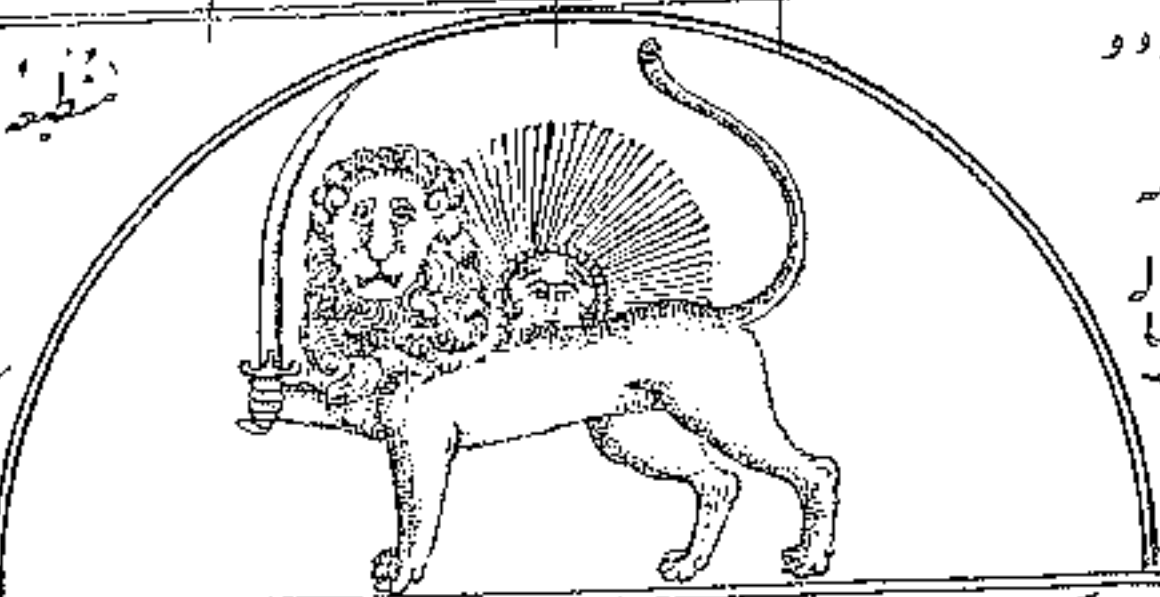
**اعلانات**  
کتاب تشریح بدن انسان از مایلفات عالیجا حکیم لولا  
حکم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و در دارالطب چاپ روزه است فروخته میشود در مدرسه دارالفنون  
هر یک جلد شهرار وینار

۱۱۰۵

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۲۰

نمره صد و هفتاد و دو

قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهه  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط المهره هر خط یکروز  
بسیار با هر خطی هر

اختیار و احسان مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه ۱۲۲۰ در اولین ماه اعلیحضرت پادشاهی  
غیبت تفریح شمیرانات فرموده بعمارت پیاوران که در  
اوقات که ایام چهار است کمال صفادخرمی دارالشرف  
فرما کرده و بنا را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر  
در آن مکان خرم تشریف داشتند و بعد از صرف عصرانه  
و چای حوالی غروب آفتاب سوار شده بارک مبارک سلطانی  
مراجعت فرمودند

پای انداز از جانب جناب معظم الیه تقدیم شد تا هنگام  
عصر اعلیحضرت پادشاهی در آنجا تشریف داشتند و  
وجود مبارک بسیار خوش گذشته نزدیک غروب  
آفتاب بارک مبارک که مراجعت فرمودند

امیرالامراة اعظام سر و ارکلی که از آور بایجان بدر بارگاه  
مراجعت نموده است در روز چهارشنبه نوزدهم وارد  
دارالخلافه گردیده و حسب الامر بمالیون از انسانی دولت  
علیه و صاحب منصبان نظام با استقبال مشارالیه  
رفته لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته و از جانب  
سنی ایوان بلوگاه خلعت عیدی که باقیار او مرحمت  
و انقاد شده بود در عرض راه بخلعت بمالیون مخرج گردید

چون از قرار یک نواب عماد الدوله امامقلی میرزا حکمران کرمان  
نوشته بودند عالیجاه اسدالعدخان سر و تنگ خوج کوران  
در انتظام و انضباط حده و زمام و حفظ و حر استقامت  
و شوابع و نظم امور اوانج ساخورداب کمال مراقبت و اهتمام

در روز شنبه گذشته نیز اعلیحضرت پادشاهی بعم  
زیارت امامزاده لازم العظیم جناب شهباده عبدالمعظم  
دکست و تفریح آن اطراف سوار گردیدند بعد از زیارت  
روضه مبارکه بیابان دولت آباد تشریف فرما گردیده و  
چای نمودند و حوالی غروب آفتاب بامر سلطنت عظمی  
فرمودند

در روز یکشنبه نیز غیبت تفریح شمیرانات  
فرموده بعمارت و او دیده بمهانی جناب جلالت مآب  
صدر اعظم تشریف فرما گردیدند و لوازم قربانی و پیشکش

۱۰۰	لو بیا کبچوار سه تومان	بطور رسانیده آنچه در از بریده و بر حیت قطع منسوب
۱۰۱	عدس کبچوار بیت و چهار	و اشتات و مراتب خدمات او مشهور و مکشوف
۱۰۲	ماش کبچوار بیت و چهار	اولیای دولت علیه افتاد لهذا یک قطعه شان از مرتبه
۱۰۳	خرما چهارمین دو هزار و هشتاد	اول سوسنکی و یک بند حایل سفید بافتن را و حجت کرد
۱۰۴	شیر شهد چهارمین یک هزار و هشتاد	چون عالیجا سلیماخان سپهر مقرب انخافان محج و لبحان
۱۰۵	پسته کداحته چهارمین نه هزار	بیکر یکی استر اباد در دفع و رفع طایفه ضاله ترکمانی
۱۰۶	شع یکمین دو هزار و چهارصد	رشادت و جلالت خود را بطور رسانیده بود و مراتب
۱۰۷	رغیخراغ یکمین شش عباسی	حسن خدمت عالیجا مشارالیه منظور نظر اولیای دولت
۱۰۸	پیرشور چهارمین دو هزار و عباسی	علیه افتاد لهذا یک قطعه شان از مرتبه دویم سوسنکی با
۱۰۹	ماست چهارمین شش عباسی	مبارک بافتن مشارالیه حجت کردید
۱۱۰	هل یکمین بیت و سه هزار	تعمیر اجناس و اصلاح
۱۱۱	سجک یکمین چهار هزار و ده شاهی	کندم ساو جیلای کبچوار بیت و یک هزار
۱۱۲	وار چینی یکمین نه هزار	کندم غریبه کبچوار دو تومان
۱۱۳	رغفران ده سیر دو تومان	روغن چهارمین نه هزار و ده شاهی
۱۱۴	قلقل یکمین چهار هزار	برنج غنبر بود چهارمین دو هزار و یک عباسی
۱۱۵	زیره یکمین دو هزار و هشتاد	برنج کرده چهارمین یک هزار و نوزده شاهی
۱۱۶	زرشک بیدنه یکمین دو هزار	گوشت یکمین شش عباسی
۱۱۷	زرشک تبریزی یکمین چهار هزار	نان کبچوار بیت و سه هزار و پوله
۱۱۸	قدیزدی یکمین چهار هزار و هشتاد	آرد کبچوار دو تومان و چهار هزار
۱۱۹	قداریسی یکمین هشت هزار	پسته کبچوار نه هزار
۱۲۰	عباکوی علی یکمین شازده هزار	ذغال کبچوار هفتده هزار و پانصد
۱۲۱	عباکوی وسط یکمین دوازده هزار	مرغ یک قطعه ده شاهی
۱۲۲	اسب یکمین دو هزار و پنج شاهی	تخم مرغ پازره بیضه یک عباسی
۱۲۳	سکجین یکمین سه هزار و ده شاهی	سخته کبچوار بیت و دو هزار
	سایر و لایات	

۱۱۰۷

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شیخ  
والا تبار فسریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان از روز  
بارضی تقدس الی الان مظلوم کلی را موراثت همه آن ولایت و او  
با یک غنچه افشار و دو فوج سواران یکم فوج نصرت و توپخانه  
و استعداد تشریف فرمای آق در بند شده از آنجا سام خان ییغی  
باقشون روانه مرو شوند

دیگر نوشته بودند که در صفحات مرو پنجاه طایفه قریانی کسب قشون  
دولت نایبه محالفت ندارند و آنها هم در مقدمه دعوی با امیر حسین  
برادر سام خان ییغی که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شده  
پساری کشته گشته و شکست فاحش از سوار و مشارالیه و فوج  
و سواره مامور مرو و خورده بلوری پریشان متفرق شده اند که نوشته  
بودند مشکلات بتوانند دوباره در قلمه قریانی زبیت نمایند و از آنجا  
استیصال آنها یکی اینکه نوشته بودند بعد از شکست خوردن آنها کثیر  
خوار غله قلمه قریانی بحیثیت فروشش سپردند قشون مامور خورده  
شده و غله را بر گردانده بمر و برده اند در میان قشون دولت علیه مرو  
غله این اوقات فراوانست و سایر احشام و ایلات آن حدود کمال  
و ایشیا و باین دولت علیه دارند و در کمال اطمینان خاطر جمعی از شهرت  
آفوقه بار و آورده میفرشند

دیگر نوشته بودند که اجناس کولات و غیره در ارض قدس کمال  
و غرور و از آنرا و در دین بجا که بارانهای متوالی با نولات آمدند  
سبب امیدواری صاحبان اطلاق ذراحت کاران شده و اگر کسی ایجاب  
غله و آذوقه ذخیره داشت درین اوقات قیمتش نزل کرده

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عاچا موسی خان قاجار

که با نظام بلوچستان مامور بود بعضی قلمه جات آنجا را چنانچه در روزنامه  
سابقه نوشته شده تیغ و اشطام کلی در این معنیات داد است و از آنجا  
بم و زنا ششم رجعت نموده و از آنجا علی رضا سلطان ابا سرهای شیراز  
در قلمه جات سر کرده بودند نیز امیر الامراء العظام محمد حسن خان سرد  
حکمران نیز و در کرمان فرستاده دور و جوار خلعت و اشطام داده اند  
در پیچیدیم که در رجب عاچا موسی خان با قشون ابو کجیمی خود و اردو کرمان  
گردیدند و امیر الامراء العظام سردار از جانب اولیای دولت علیه نیت  
الکات در حق آنها نموده است

دیگر نوشته بودند که عاچا اصلان خان و توپخانه مبارکه که بر شاد  
و جلالت موصوفست در سر یورش قلمه کیز خود و برادر او بخانیت شاد  
بعل آوردند و برادر مشارالیه در جنگ مقتول گردید و بعد از رجعت  
کبریا امیر الامراء العظام سردار خلعت بجهت عاچا مشارالیه فرستاده  
او را بجا طفت دولت علیه امیدواری داده

دیگر نوشته بودند که مترب اخا خان سردار سلطان نعلی خان مظفر الدوله  
پسر سردار قندهار که از بارها بیرون معاودت بقصد آمدن نمود در کرمان  
مادام توقف مشارالیه امیر الامراء العظام سردار لوازم اغوا و احترام  
و صفا فی و تکلفات را از او بعل آورده و در بیت و یکم ماه رجب که بنا  
حرکت از آنجا بقصد آمدن داشته است همساز ریشین نموده اند که تا  
که خاک کرمانست اخراجات مشارالیه و بر این و را داده کمال احترام  
در باره او بعل سپاورد

دیگر نوشته بودند که پورطخ که امسال از زمین پروین آمده اند بحدی  
فراوانند که جمع رعایا مشغول تلاف آنها هستند و لک تناوتی نکرده  
و روز بروز زیادتر میشوند و باین جهت و سبب بیرونی را نیز سرمازده است

رعایای آنجا سپار پریشان احوالند

### گرمایشان

از فراری که در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند فرمان  
 هایون و صحاب نشان از مرتبه اول میرنجلی که بافتخار نواب  
 شاهزاده والا بنام عماد الدوله رحمت شده بود در دست  
 رجب با بخار رسیده و نواب معزی الیه با عموم انالی و  
 آنجا و افواج قاهره و توپخانه با استقبال از شهر بیرون رفتند  
 در عمارت قلعه که درین دولت علیه و کمال صفای ساخته شده  
 صحاب نشان هایون را زین برود و شش اعتبار و  
 مراسم شکرگزاری را بعمل آورده و عموم انالی آنجا بدعا  
 و استعانت هایون شاهنشاهی مبادرت نموده اند و بعد  
 از صرف شربت و شیرینی نواب معزی الیه بسفر  
 مراجعت نموده اند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که از اتهامات نواب  
 عماد الدوله آبادی زنا ب سجدی رسیده است که میباید  
 که قریب سی سال بود که زرع شده بود و درین اوقات کلاً  
 زراعت شده است و روز بروز بیشتر آباد می میگردد  
 چون نواب معزی الیه فرار کرده اند که از رعیت و اداری  
 زنا ب جنس زراعت را مطالبه نمایند و غیر از جنس زراعت  
 دیگر هیچ اسم و رسم چیزی از آنها گرفته نشود باین واسطه  
 روز بروز آبادی آنجا در تریا است و بعد بمقتضای  
 زیادتر که سکه قریب آنجا بوده اند با حجت کا و نواب زرا  
 از خارج بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند و از فراری که شخص  
 شده است آب و زمین زنا ب بسیار استعد و قابل هر نوع  
 زراعت است و محصولات آنجا بسیار ریح دارد و حسب  
 اولیای دولت قاهره مقرر شده بود که چند خانوار که از عمل

و تربیت و رخت نوت سر رشته داشته باشند از کیشان  
 که چنانچه نبره با ب نبرستند و امید دارند که اگر به تمام دین  
 کار بشود چند سال بگذرد که منافع کلی از ابریشم کاری  
 آنجا حاصل شود

عالیجاه اسد اللدخان و ابراهیم پاشا که بجهت قرار  
 و امورات زنا ب بدار الدوله کرمانشاهان آمده بودند  
 این روزها نواب عماد الدوله با آنها خلعت داده و حجت  
 نموده اند حسب الامرا ولیای دولت قاهره در بینه  
 کجانی اسپان ساختوی زنا ب عالیجاه اسد اللدخان  
 شده است که با کیفیج و سیصد سوار و توپخانه که لازم است  
 در زنا ب متوقف باشند

از فراری که در روزنامه آنجا نوشته اند عالیجاه پشن صاحب  
 درین اوقات با توپخانه و افواجی که در زنا ب مشغول  
 بودند از آنجا بدار الدوله مراجعت نموده اند و نواب عماد  
 کمال رضامندی از مشا را لیه داشته و خلعت با و داده  
 و نوازش کلی کرده اند

دیگر نوشته اند که در اواخر حمل اوایل شوره ای داری الدوله  
 بدت سرد شده که چند شب آبهای سخت و برف و بزرگ باران  
 اکثر درختها از تکرک و مریب دیدند

### گرس

در روزنامه این ولایت نیز نوشته اند که بیت روز بعد از عید  
 آنجا بدت سرد شده و برفی آمده بود که در همه جا برف  
 برف زمین آمده بود و در یکی از دوات آنجا از شدت سرما یک نفر  
 با پنجاه شصت رسل و الاغ که در صحرا بوده اند کشته شدند  
 بیت و پنجم حسب خبر محمد ابا زبدر یک چارک برف با آنجا آمده

۱۱۹

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و هفتم شهریور المظفر مطایب لایق سبیل ۱۲۷۰

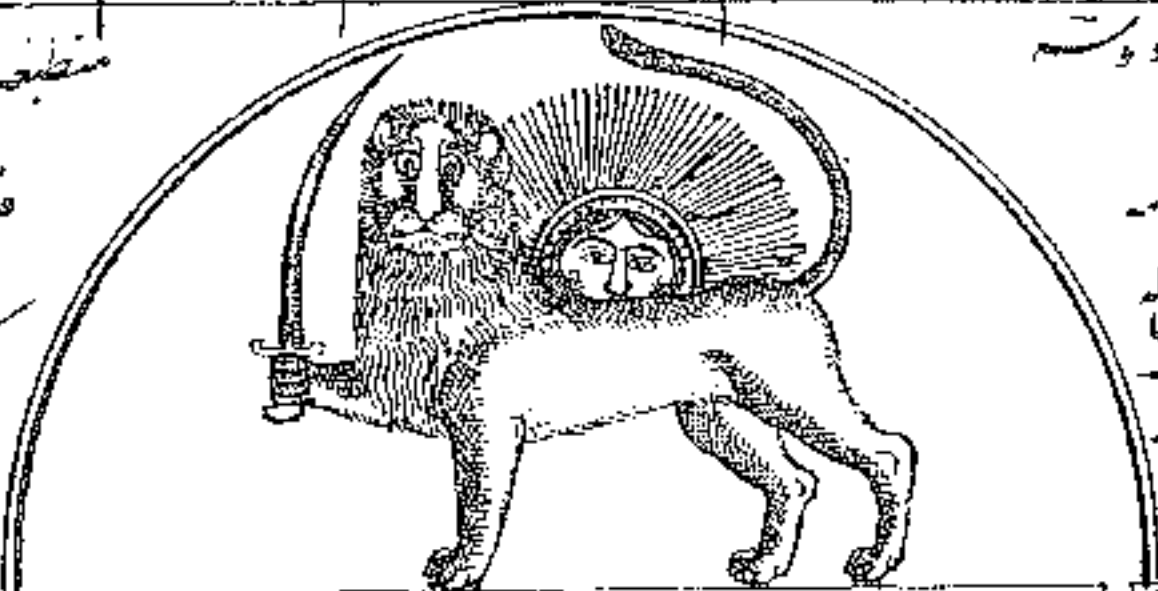
فردا سه وقت دو سه

منطقه دارا خلاق طهران

قیمت روزنامه

یک نسخه ده تبریکه

ه تومان و چهار سطر



قیمت اعلانات

یک سطر ا چهار سطر

بسته هر خط

## اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

### دارا خلاق طهران

در روز یکشنبه بیست و هفتم اینماه اعلیحضرت پادشاهی از عمارت مبارکه ارک میرون تشریف برده بیابغ لاله زار نزول اجلال فرمودند و دو سه روز در اینجا توقف فرموده در روز سه شنبه بیست و نهم پادشاه و بیابغ مقرب انجاقان حسینعلی خان معبر انجا که جای بسیار با صفا تشریف فرما گردیدند و لازم پیش و پای ترازو قربانی موکب بنایون بعل آمد و بخار در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آنجا بقیه داشتند و حوالی عصر بخت و آویدیه که متعلق بجناب جلالت صاحب تشریف فرما گردیدند و دو شب در آنجا تشریف فرما و در روز جمعه روز پنجشنبه در آنجا نزول اجلال پیاوران میفرمایند

اعلیحضرت پادشاهی در روز حرکت بیابغ لاله زار توباست شایسته و الا بتبارک و تیریز از حکمران دارا خلاق طهران و توابع را بر احم طوکانه سران و بمقتضای حکمرانی دارا خلاق سفارشات طبع و نظم و نسق شهر و بلوکات فرمودند که در کمال استمال مشغول حکمرانی شوند چون منظر نظر اعلیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه اینست که از هر طرف و مطنی در دولت علیه کمال سودگی و آسایش داشته باشد با و بقرابت کفایت انجم جماعت نصاری عیسوی از هر فرقه که بحضرت دولت علیه تسبیح و سجده بجهت رسیدگی امور و انجام و انجام سلطان لازم بود که یک نفر آدمی واهی بکارند که بر این امور آنها رسیدگی کند لهذا عالیجناب مقرب انجاقان میرزا زین العابدین ملک الکتاب را که بحسن کفایت صدق است تعیین فرمودند که با امور کل عیسویین عرت دولت علیه که در سربار جا رسیدگی نمود و اینها از تعیبات و اجماعات مصون و محروس داد و هر یک از جماعت عیسوی در روز یک عرضی بخدمت اولیای دولت علیه داشته باشند

درین اوقات حکومت عراقی سلطان آباد حسب الامر اقدس بنایون بنوایک شاهزاده و الا بتبارک تقدیمی میرزا رحمت گردید و فرمان مهر لسان مبارک شرفصد و یازده از جانب سی بجواب ملاکانه یک شب جبهه ترمه لوکک و در اعلی از بلوکس بن مبارک بسم خلع بفتح آنجا توبای ایدیه رحمت کرد

میرزا زین العابدین ملک الکتاب را که بحسن کفایت صدق است تعیین فرمودند که با امور کل عیسویین عرت دولت علیه که در سربار جا رسیدگی نمود و اینها از تعیبات و اجماعات مصون و محروس داد و هر یک از جماعت عیسوی در روز یک عرضی بخدمت اولیای دولت علیه داشته باشند

در همه و انجام و انجام عرض عارض بر آید

نواب شاهزاده و الا بتبارک سام سلطه والی بنی حسان که در حضور کتاب بنایون شده بود در روز چهارشنبه بیست و هفتم شعبان وارد دارا خلاق طهران

نواب شاهزاده و الا بتبارک سام سلطه والی بنی حسان که در حضور کتاب بنایون شده بود در روز چهارشنبه بیست و هفتم شعبان وارد دارا خلاق طهران



از جمله بنامی تازه که درین دولت علیه برافقاده است در  
 دارالفنون است که در ارک مبارک سلطانی حب الامهات  
 شایسته برقرار و دایره است و خود اعلیحضرت پادشاهی در ترویج  
 تعلیم و تعلم قوت حریه غیره و نشر علوم در مدرسه نور انجمن عالی  
 در فصل با نیر سال عالیجاه کانت قراچای صاحب منصب  
 از دولت استبریه که مدتی در قشون آن دولت خدمت کرده بود  
 باین آمده و فوزه نفر از ساگردان قابل با ذهن و کاوش  
 سپرد و ساگردان مبرور در اندک وقت کمال قابلیت را بطور سیاه  
 خصوصاً در کشیدن نقشه نظامی که نقشه زمین را می کشند هم  
 روی نقشه و هم از روی هر زمین و محلی که بظن می آورند عالیجاه  
 میرزا ملک میرمنگ منجم دارالفنون درین علم کتابی ترجمه کرده  
 که بسیار بکار خلق خواهد آمد و در ترجمه کردن کتاب مبرور کمال  
 توضیح و احوال و فطانت و دانش را بعل آورده و از استخراجه  
 در مدرسه مشغول پناهندگی عالیجاه حکیم پولاک معلم علم طب  
 و جراحی است که وقوف و مهارت کامل سعی و استقامت تمام دارد  
 اطباء و جراحان قابل ارتقا گردانی که در ترویج عالیجاه پشاور  
 میخوانند بهم خواهند رسید کتابی نوشته است در علم تشریح  
 انسانی که چند هفت است در روزنامه اعلان می شود و تا بحال  
 چنین کتابی بزبان فارسی نوشته نشده است و بسیار بکار  
 جراحان این دولت علیه خواهد آمد و همچنین عالیجاه میوه فوکتی در  
 در علم و اساسی بچند نفر از ساگردان دارالفنون درسی  
 و اینهم علمی است که بسیار اهل این ولایت خواهد آمد و همچنین  
 عالیجاه قلوب مطهره را در حرکت دادن قشون کمال مهارت  
 و وقوف را دارد و افواج قاهره را در مشق و حرکت بسیار چابک  
 نموده است و چند نفر شاگرد خوب تربیت کرده است که هر

حالا منصب ایلان روری دارند و همچنین عالیجاه موسیو سید  
 معلم سواره نظام سواره که با وسپرده اند آنها را خوب مشق  
 داده و در حرکت تعلیم شایان گرفته اند و چون که اهل ایران در  
 خوب و مشهور و ورزیده هستند و اسبهاشان نیز نیر است  
 مشهورند مشق سواره نظام را زود تر از اهل بعضی دول میگیرند  
 دیگر عالیجاه موسیو کریشیس معلم علم توپخانه در مشق توپخانه بر  
 سعی و استقامت خود را معمول داشته و سعی و استقامت شایسته  
 سفید فایده خوب شده است که توپخانه مبارک در مشق و حرکت  
 نیز از ارمی کمال چابکی را بهم رسانده اند و خود اعلیحضرت پادشاهی  
 زیاده مایل بانظام توپخانه مبارک میباشدند دیگر عالیجاه موسیو  
 بولدر هندس که در یکی از مدارس مشهور پاریس پایتخت فرانسه  
 که موسوم بکده عقاب پالی تکنیک است بزرگ و تربیت شده و بعد از  
 در مرتب زمین فر قشون فرانسه خدمت کرده است و پناهندگی  
 در اختلاف آمد و از آنوقت در علم مهندسی در دارالفنون درسی میدهد  
 و سعی و کوشش تمام می کند درین روزها فوج هندسین را با جابجا خواهد  
 موسیو چارلوظا صاحب منصب مدنی در هندستان که نوشته  
 و نت شده اما بجای او صاحب منصب دیگر از وینه پایتخت  
 استبریه خواهد آمد و چون که کل اعمال دارالفنون مشهور نظر اهل  
 شایسته و اولیای دولت قاهر است در اندک وقت ترقیات کلی  
 بهر یک از تعلیم حاصل شده کمال خواهند رسید  
 درین روزها پنج نفر دزد که مصدر سرقت شده بودند آنها را گرفتند  
 نیز و نواب مستطاب شراده و الایبار در شیر میرزا حکمران  
 در اختلاف طران و توابع آوردند و حسب حکم نواب مغزی الیه  
 سیاست کمال کردیدند که عبرت سایرین بشود  
 سایر ولایات

۱۱۱۱

اصفهان

از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه چراعلیخان  
 نایب الحکومه اصفهان در نظم امور رعیت و زراعت بلوکات و توفیق  
 از منق غله و صیفی کمال اهتمام دارد و دقیقه غافل نیست که خدایان  
 ریش سفیدان بلوک را در حضور ضابطه بنا دست بدست حاضر نمایند  
 و در امور جزئی و کلی صیفی کاری قرار خالصه و اربابی را باید بدقیقت  
 یلغ مینماید که از امور زراعت و جمع آوری رعیت تغافل ننماید و در  
 هر قریه از قرار خالصه که در سنده ماضیه بسبب ناخوشی رعیت آنجا فوت  
 شده است و امر زراعت آنجا اختلالی داشته رعیت آنجا را مشغول  
 بقدر ضرورت مساعد داده است که باطلاع صنباط و کد خدایان  
 عاید رعایا شده در کمال لگرمی مشغول امر رعیتی و زراعت خود باشند و  
 آنچه بذریع صیفی باید در خالصه زراعت شود مطابق دستور العمل  
 بروز بدست رعیت بدهند که مزروع نمایند و بجهت باز وید صیفی کاری  
 و غله کاری چند نفر مستاح صاحب و قوف بفرض در هر جا که لازم  
 بود دست روانه نموده که معلوم شود از قرار دستور العمل آنچه مینماید  
 و همچنین ترتیبه مادیهای بلوکات و قنوات آنجا کمال اهتمام دارد که بلکه  
 صیفی کاری زیاد بشود و تلفاتی ضرر اثمار اشجاری را که سرمایه است

کسند

از قرار یک نوشته بودند چندی قبل ازین در عرض راه و حوالی فرستاده  
 از شخص نزدی بسرقت برده بودند صاحب مال بفرمانده برده  
 مینموده است کتبی خان ساکن فراغ از اندیشه اینکه با امرات بجای  
 چراغ علیخان نایب الحکومه برسد و مواخذه نماید برادرزاده خود را از دوا  
 سید محمد ابرقوی فرستاده قرار غرامت مال را با صاحب مال مبلغ پانصد  
 تومان گذارده بود که سیصد تومان را نقد بدو و دویست تومان  
 در مدت دو ماه جنبش از تجا قرض کرده برساند بدین واسطه کمال مینماید

بجته صاحب مال امانی اصفهان حاصل شده است

غلام سیاهی از مشهدی آقای نایب فراشخانه مبارک که فرار کرده بود  
 مراتب را بعالیجاه چراعلیخان معلوم داشته از کد خدایان داروغه  
 اشرام گرفت که او را پسند نمایند بعد معلوم شد که در راه فارس و ایلام  
 بودند عالیجاه مشارالیه بخیف غلام روانه داشت رفته و اگر کشف با غلام بیاید  
 دیگر که او را فریب داده بود با اصفهان آورده بود عالیجاه مشارالیه  
 قینده کامل از بر دو بعل آورده بصاحبانش تسلیم کرده بود

کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند امر آنست و در نهایت نظم  
 و انضباط را دارد و امیر الامرا نظام محمد خان سردار بکران نیز و کرمان  
 در تحویل اسباب اسودکی امانی آنجا کمال اهتمام دارد و از قرار یک نوشته بودند  
 این اوقات کندم آنجا نسبت بسابق و فوری نداشته جماعت خبازان  
 و کاکین خود را بسته بودند مقرب آنجا خان مشارالیه بعد از اطلاع بر این معنی  
 جماعت خبازان را بسته از سبب بستن کاکین خود استفسار کرده بودند  
 چون جماعت خبازان مذکور داشته بودند که کندم قدری کت چنان  
 خردوار کندم از انبار بیرون آورده بخبازان داده بودند که و کاکین خود را  
 که بسته بودند باز کرده مشغول فروختن آن شوند و مردم آنجا بکندم

از قرار یک نوشته بودند عالیجاه میرزا شیخ مستوفی کرمان همه روزه در  
 آنجا مشغول رسیدگی بحساب صنباط است که سائیکه سال گذشته با رعیت  
 حسن سلوک داشته خوب حرکت کرده بودند و از آنها تعدی بر رعیت  
 نشده بود و امسال هم آنها را صنباط بلوکات کرده اند  
 سر بارت که کوز لوبه روزه در میدان مشق حاضر شده در نهایت  
 نظم و انضباط و خوبی مشغول مشق هستند و با امانی ولایت هم کمال  
 حسن سلوک را دارند

اخبار دول خارجة فرانسه

از قرار روزنامه این ولایت که در دویم ماه جیب نوشته بود  
پرنس موزت کیکی از اقامت لویی ناپلیان امپراطور فرانسه است  
درین اوقات عروسی نموده است و خود اعلیحضرت امپراطور  
با کل اقامت خود در آن عروسی بوده اند و اس و تاج و زینت  
در عروسی مزبور برپا نموده بودند

و بکار قرار یک در روزنامه فرانسه نوشته اند دولت علییه  
بنادارند خواهی از دول فرنگستان فرض نمایند و خواهی که  
میخواهند فرض نکنند و قرار رفع و وعده نخواهد را در شهرهای  
پاریس لندن که نوشته اند و از بابت این خواه اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه حکم کرده است که در میان فرانک کرده  
تومان حساب پول ایران است از خزانه فرانسه نقد به دولت  
برمند و این پول با استغاف است و بنا که نوشته اند که از  
پولی که دولت عثمانیه از تجار فرنگستان فرض می کنند  
پول را پس بدهند

دیگر در روزنامه این مملکت که تا غیره میماند نوشته اند بتاریخ هشتم  
رجب که چند روز شهرت داشت که دولت فرانسه بنا و اردو که  
صد هزار قشون جدید بیکر و حال معلوم شده است که صد هزار  
تفرقشون جدید نخواهند گرفت در این مملکت سیال قاعده و از  
که کل اشخاص در مملکت مزبور که اگر لازم باشد باید سرباز بشوند  
حساب می کنند و در وقت ضرورت خبر می کنند که آمده و  
قشون بشوند از اشخاص مزبور که در سال گذشته اسامی آنها  
نوشته بودند و در وقت سرباز خبر کرده اند که حاضر گردیدند  
داخل قشون بشوند

احوال متفرقة

چنانچه در روزنامه دو هفته پیش نوشته شده بود حکمران  
مملکت پرتغال که یکی از مالک کوچک ایتالیا می باشد درین اوقات  
کشته گشته است شخصی در روز روشن کار در بشکم او زده و فرانس  
کرده بود تا بحال این شخص بدست نیامده و بنده اند که سبب  
این حرکت را کرده است حکمران مزبور از سلسله برتانیان بود که از  
پادشاهان قدیم فرانسه بودند و از اولاد لوی چهارم و پنجم پادشاه

مملکت پرتغال و یک سال از عمر او گذشته بود و چهار طفل دارد  
و پسر و دو دختر و پسر بزرگ او وارث اوست و مادام که در  
صغر سن است و والدینش وکیل اوست که معات دولتی را بر او  
و حق نماید و پسر مزبور بسن شش ساله است و حکمرانی این شخص  
شده است چندین مدتی طول نکشید و رایام اعلیحضرت نخب  
پس ازین فرنگستان درین مملکت کوچک نیز با عیگری در بر  
شده بود در آنوقت حکمران مملکت مزبور از حکومت خود استعفا  
بود و پیش از آنکه درین اوقات کشته شده بجای او حکمرانی میکرد

در عهد نامه وین نیز بعد از جنگ ناپلیان بزرگ که وکلای  
در آنجا جمع شده عهد نامه بستند این مملکت کوچک را برین  
ناپلیان و اگر از گردند که مالیات آنجا عوض مخارج او برقرار  
و مادام الحیوة حکمران آنجا باشد و موافق این قرار چند حکمرانی  
این ولایت باشد را بپا بود بعد از فوت او با موافق عهد  
ولایت مزبور را حکامی سابق با اولاد پادشاهان قدیم فرانسه  
و اگر از گردند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که ایچی کبیر از دولت  
که مقیم اسلامبول است بتاریخ دوشنبه بیست و ششم ماه  
در روز عروسی اعلیحضرت امپراطور بود و مهمانی نسکین بر سر اسلامبول

نموده بود و بسیاری از اعیان دولت علیه عثمانیه وکل  
ایلیان دول خارج درین وقت حضور داشتند

موافق حسابی که در روزنامه های فرانکستان نوشته اند گشته  
که از دولت انگلیس و فرانسه و نیکی دنیای شمالی در سیلانات دریا  
اطراف آن مملکت مشغول های کبری میباشند باین تفصیل اند  
انگلیس سه هزار و هفتاد و پنج کشتی و از نیکی دنیای  
سه هزار و یکصد و شصت کشتی و از فرانسه پانصد و شصت کشتی  
بهای کبری مشغول اند و میخواهی که اهل این سه دولت درین  
سیلانات ما چه گذاشته اند اهل نیکی دنیای شمالی شانزده  
هزار و سیصد و شصت و هزار و پانزده و الاز و انگلیس هفتاد و  
چهارصد و هزار و صد و هفتاد و پنج و الاز و فرانسه دو هزار و  
دویست و پنجاه و پنج هزار و الاز است و قیمت های که اهل این  
سه دولت در سال گذشته فروخته اند باین تفصیل است  
اهل نیکی دنیای شمالی شصت و هشتاد و هشتاد و سی و الاز  
و انگلیس هفتاد و هزار و صد و نود و هزار و الاز و فرانسه سه هزار و  
سیصد و چهل هزار و الاز و هر داری تخمینا چهار هزار و پانصد

دینا پرول ایران است

در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته اند که در مملکت  
که جزو ممالک نیکی دنیای شمالی است پنا القدر راه آهن ساخته  
کالی که بنارس ساخته اند که قدغن شده است درین روزها  
راه آهن درست میکنند بجهت اینکه میخواهی که در آن ولایت  
دارند چون قدر میشود که کفایت تمام کردن راههای مزبور را  
نماید

در روزنامه انگلیس نوشته اند که سیریمز و ایلی که مدتی حکیم  
اعلیت امپراطور بسید بود درین روزها فوت شده است

شصت چهار سال بان دولت خدمت کرده بود اول خدمت  
حکیم فرج بود بعد از آن حکیم خود امپراطور جا اول فتنه بود و  
همراه امپراطور نر بورسنگو و غازیان کرده بود و بعد از آن  
حکیم باشی امپراطور الکندر شده بود و در مسکام و قانس  
منصب وزارت داشت و صاحب منصب چندین نشان  
روسن استر و نشان لژیون و از آن دولت فرانسه  
و منصب بر وقت از پادشاه انگلیس نیز داشت صاحب  
اموال بسیار بود چون دارائی نداشت در روزنامه  
که امپراطور روس را وصی خود کرده است

امیر آل روسین که یکی از سرداران مشهور قشون روسی  
و افسانه بود درین روزها فوت شده است و هفتاد و  
سال عمر کرده بود در سن دوازده سالگی اول خدمت  
در روسی گشتی و در سی سالگی در کشتی منصب یکرانی رسید  
در جنگها که در آن ایام مابین انگلیس و فرانسه بود نیز شاد  
کرده بود خصوصاً در دریای می هندوستان و یک قوی تیم  
در جنگ دستگیر انگلیسها شد و خود انگلیسها تصدیق از نشان  
و جلالت صاحب منصب نر بور کرده بود و از آن وقت تا

از جمله اخباری که از مملکت انگلیس نوشته اند این است که بعضی  
از قشون که در جزایر هند غربی دارند درین روزها حکم کرده  
که بمملکت انگلیس اجبت نمایند و از قواری که نوشته اند که باور  
سه تا چندین قشون لازمند آید باشند

از فرادید که در روزنامه جدید و اسبواش نوشته اند درانی  
فیلور و فورم نام اطبا و جراحان فرنگستان از اجزائی حد  
ترتیب داده اند بجهت کسانی که در جنگها زخمها میشوند یا برض  
شقا قلس و امثال آن مبتلا میگردد در وقتی که میخواهند عضو

آتش باد بار و ط آتش گرفته و دزدان فربور را بسرای  
عمل خودشان رساند همت نفرانها فی الفور آتش گرفته  
و هلاک شده اند و در نفر دیگر نیز نیم سوخته و قرب الموت  
بوده اند

که لازم است بزند این دو را به م دماغ آن شخص میگیرند  
استقام چنان مدهوش می شود که هیچ المی از بیدن آن  
با و نمیرسد اما تا بحال که اطبا و جراحان این عمل را میکردند  
گاهی اتفاق می افتاد که آن شخص مجروح از استقام این دو

دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه جمادی الثانی در هوجبیک  
طوفانی شدید ظهور کرده بود بطوریکه ارگشتهها که در لکرگاه  
استجا بوده اند بچهل پنجاه کشتی کابیش خرابی و شکستگی روی  
داده و سه کشتی بآله از ضرب امواج شکسته و غرق  
گردیده است

چنان بچو میشد که در همان مدهوشی در میگذشت و استعمال  
این دو ابلا خط شدت و ضعف قوه و جنبه مریض و مجروح  
تأم است و اطبا باین ملاحظه ازین دو اصراف نظر کرده بودند  
و استعمال او را منع میکردند تا درین اوقات شخصی مریض

دیگر نوشته اند که درین اوقات عباس شاه حکمران مملکت  
پنجاه و چهار نفر از جوانان و کسان قابل با استعداد و بجهت  
تحصیل علم طب بیرون پاریس پای تحت فرانسه  
روان کرده است که در اینجا تحصیل نمایند

اعلانات

تازه در این دو آمده است که استقام آن بجهت کسانی که تا  
عضوی از آنها بریده شود لازم نیست که شوش ملاکت آن  
اشخاص ممکن باشد بلکه هر عضو را که میخواهند بزند ازین دو  
قدری آن عضو میریزند و آن عضو چنان بی حس میگردد  
که مجروح از بیدن آن متالم نمیکردد و چند نفر مجروح را با بجا  
با بنظر امتحان کرده اند

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولا  
معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است  
در مدرسه دارالقانون فرخنده می شود یک جلد شش هزار  
کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالحمد با سبزی و گلزار و یکی  
در واره دولاب الطباع شده از این قرار فرخنده میشود

از غریب اتفاقات در روزنامه نوشته اند که درین اوقات	حتمه نظامی	بیت و چهار	۵۰
در فرانسه نفر از دزدان که با هم جهت بوده اند چلیکی	سر ابر	دو تومان	۵۰
از جانی صرف کرده بودند و در چلیک با قهر گرفته بوده است	سره المعارف	دو تومان	۵۰
و دزدان نمیدانستند که در میان آن چیست بعد از آنکه	معراج السعاده	یک تومان	۵۰
بمنزل برده بودند با آن داغ خواسته بودند در چلیک را	هدیه تهنیت	هشت هزار	۵۰
بکشاید در میان چلیک بار و ط بوده است بخص سیدان حرار	پانزده هزار		۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم شهر رمضان المبارک مطابق بیابان میل ۱۲۷۰

نزه صدف و چهار

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

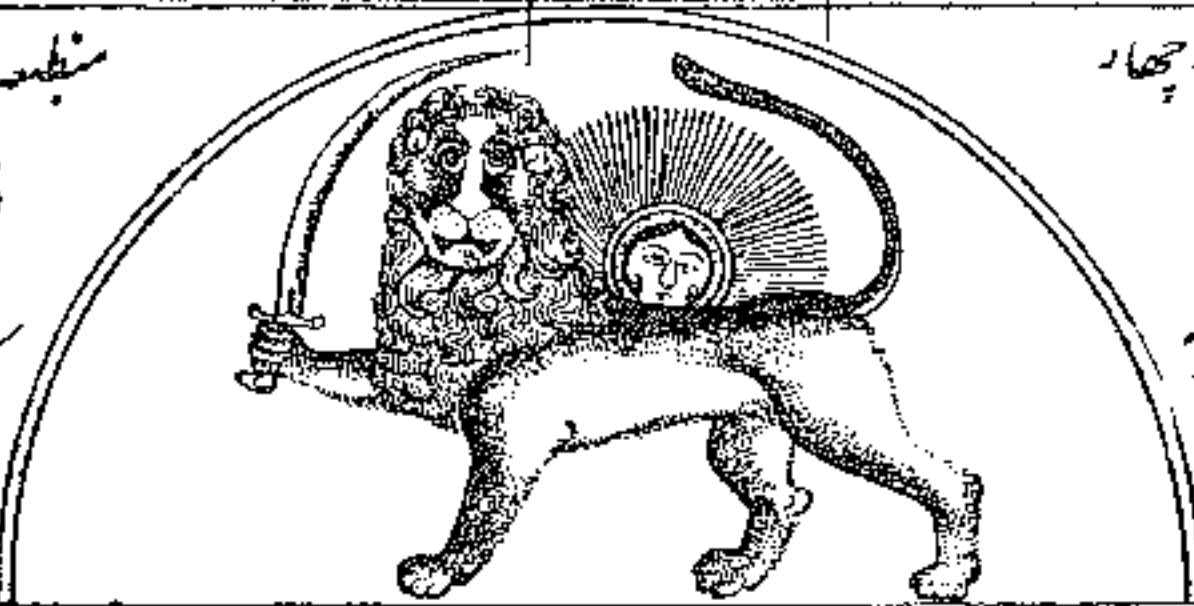
قیمت اعلانات

یک ششماه یکسال

یک خط ایچا طر کهور و سکا

هفتاد و چهار هزار

بیشتر با هر طریقی



اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه مقدمه گذشت نوشته شد اعلیحضرت پادشاهی  
چند روز در او دیه که مشغول بچشم جلال ماب صدر اعظم  
شرف داشتند در روز جمعه بیست و هشتم ماه شعبان  
از آنجا بعبارت نیاوران نزول اجال فرمودند

کلی که مکمل بالباس از جانب سنی احوال با یون در حق  
مرحمت کردید

نظر بطهور خدمات عالیجاه مقرب الخاقان مصلحی خان آ  
اعلیحضرت آقدس شاهنشاهی موازی یک ثوب کلبچه  
لبوس بدن مبارک در حق خلعت مرحمت فرمودند

در روز شنبه بیست و نهم ماه شعبان اعلیحضرت پادشاهی غیبت  
گشت و تفریح شیرازات فرموده بعد از ظهر از عمارت شاه  
سوار شدند و آن اطراف را تفریح و سیاحت فرمودند  
غروب آفتاب بعبارت نیاوران مرحمت نمودند

چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله در تعمیر عمارت  
نیاوران کمال اهتمام نموده مطبوع خاطر خطیر اعلیحضرت  
شده بود لهذا موازی یک ثوب کلبچه از لبوس بدن مبارک  
خلعت باو مرحمت کردید

نظر بطهور خدمات امیرالامرا العظام سردار کل و در فور  
کامله خردانی در حق او در روز شنبه بیست و نهم ماه شعبان  
اعلیحضرت شاهنشاهی یک ثوب قبا ی زرین نظامی از لبوس بدن مبارک  
باو مرحمت فرمودند

چون مراتب اتمامات عالیجاه مقرب الخاقان میرزا رحیم محمد  
و محصل کل محاسبات در اتمام کتابهای دستور العمل دلا بیا  
شود و ملحوظ خاطر آقدس شاهنشاهی گردید و جناب  
جلالت آتک صدر اعظم نیز در حضور مبارک زیاده اظهار  
از سعی و اهتمام مشارالیه در گذراندن محاسبات و انجام  
خدمات دیوانی نمودند لهذا حسن تمکداری او مستحسن مطبوع  
خاطر ملوکانه افتاده مبلغ دولت تومان تعصبیه انعام  
موازی یک ثوب جبه خوب ممتاز برسم خلعت در حق او مرحمت فرمودند

چون امیرالامرا العظام محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان  
در خدمات انصاف خاصه و تصرف و تسخیر قلعات بلوچستان  
و انتظام معابر و ملک آنجا حسن خدمات خود را ظاهر ساخته  
لذا موازی یک ثوب قبا ی زرین نظامی از لبوس بدن مبارک و یک  
قطعه

موازی یک ثوب جبه خوب ممتاز برسم خلعت در حق او مرحمت فرمودند

۱۱۱۶

نموده اند بعد ازین و نامه نوشته میشود

مقرب الخاقان محمد رحیم خان نسفی باشی بجلومت نهادند و بعد از آن  
گردیده یوم شنبه بیست و دویم ماه شعبان از دربار عالیجناب  
مرخصی حاصل کرده روانه نهادند که چهار پنج ماه در آنجا  
و امر انولایت را استقامی داده نایبی از جانب خود در آنجا  
تعیین نماید و خود بر کاب مبارک معاودت نموده در دست  
خود باشد

عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا حسین خان کارپرداز  
علیه ایران مقیم بندر ممبئی که حسب الاستدعای خود احضار  
یدار انخلا نموده و میرزا صادق کاشی منشی اول خود را پیشتر  
امور کار پرداز می گذارده و خود عازم دربار عالیجناب شده  
در روز یکشنبه شانزدهم شهر شعبان که وارد دار انخلا  
حسب الامتنای دولت علیه عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا  
عبد الوهاب ثانیب دویم وزارت دول خارج با عالیجناب  
باشیخان سرینک و مدیقلخان و تراخان نایبان اجود  
و بعضی دیگر از نوکران دیوانی و جمعی از اعلام و غیره با استقبال  
عالیجاه پشار الیه رفته لوازم اعزاز و احترام معمول داشته  
و او را با اسبان بدکی و سواری وارد دار انخلا نمودند  
اول در دو بقرار رسم دولت بمنزل جناب مقرب الخاقان  
میرزا سید خان وزیر دول خارج آمده از آنجا با اتفاق  
جناب جلالت اب صدر اعظم مشرف شده و جناب  
کمال القات و اظهار رضامندی و خوشنودی از خدمات  
مشار الیه فرمودند

بودن جناب ایشان در میان ما رفتار کرد و در وسواری  
و معقولانه او را محبوب جمیع ما نامود و امید داریم که تا  
ایام مسافرت او طول نکشیده و بزودی بمقام مورث خود  
مرحمت نماید بعضی اشخاص را حیف و صاحب عداوت خوان  
فوتسول مزبور را در چنین وقتی محل برپاره امورات زراعیه  
نموده اند لکن ما مطالعه کنندگان این روزنامه و عاقلان  
الطینان و خاطر جمعی تمام میستوانیم داد که حرکت جناب ایشان  
از ممبئی سببه استقام امورات شخصی خود ایشان است و میرزا  
صادق نام منشی کار پرداز خانه در غیاب ایشان مشول  
امور کار پرداز می خواهد بود

سایر ولایات  
آذربایجان ازینولایت اخباری تازه نرسیده است  
که در روزنامه نوشته شود

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند اسامی در  
سجده شدت سرمای بی وقت جمیع باغات و اشجار آنجا را سوز  
زده که از خیر انتفاع افتاده بود علاوه بر آن این اوقات سین  
بسیار بسم رسیده که اغلب از محصول و زراعات آنجا تلف

ترجمه روزنامه مکررات که در ممبئی چاپ شده چون در روزنامه  
اظهار رضامندی زیاد از حسن سلوک عالیجاه میرزا حسین خان  
نسفی

۱۱۱۷

ساخته است و از اینجه امر آنجا کمال پریشانی دارد

### خراسان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند اردوی  
 نواب سرتیپ شاهزاده والا تبار فریدون میرزا فرمانفرما  
 هکلت خراسان در آق در بنیادست و چادرهای ترکمانان  
 خرس نشین در دو فرسخی اردو واقع است چون بعضی از  
 آنجانی بجله وحشی داشته اند ریش سفیدان طایفه فرزند  
 انبار الطینان و او اندکه مار عایا و خدمتگذار این دولت  
 علیستیم و مطلقا تسویس نکرده از جای خود حرکت نکنند  
 بعد از الطینان دادن چشم مزبور ریش سفیدان خدمت  
 نواب شاهزاده فرمانفرما اند و نواب معز می الیه نیز آنها  
 بچو اطفا این دولت قوی گنت علیه امید وار نموده کمال لیاقت  
 در حق آنها مبدول داشته است و ریش سفیدان این  
 کرده اند که سایر ترکمانان خرس نشین را هم بخدمت نواب  
 معز می الیه آورده بلو از م اطاعت و انقیاد و ایلیت و چاکر  
 این دولت علیه اقدام نمایند

دیگر نوشته اند که دولت بارفورخانه که از دارالخلافه مبارک  
 بخراسان فرستاده شده بود در غره شهر شبان قورخانه  
 مزبور وارد ارض اهدس گردیده است

و همچنین مبلغ ده هزار تومان وجه نقد که مصحوب لشکر اران  
 پادشاهی از دارالخلافه بخراسان انقاد شده بود هم در آن اوقات  
 وارد ارض اهدس گردیده و تنخواه رایسانده است

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام و  
 متولی باشی و پیشکار خراسان در انتظام امر آلولایت و موقوفات  
 حضرت فیض انار کمال اهتمام را معمول دارد و بعد از رض رعایا

به وقت تمام رسیدگی می نماید و عموم انالی آنجا سبجه احتیاج حق  
 و رفع اجحافات مقرب انخاقان مشارالیه نهایت رضایت  
 و شکر گذاری این دولت علیه دارند از جمله رعایای طایفه  
 بزرگی که از اگراد میباشند سابقا میباشد آنها با آنها زیادتی کرده  
 بوده است درین اوقات نیز مقرب انخاقان مشارالیه  
 از دست میباشد خود عارض شده اند یکی از ارباب سحر  
 مقرر داشته است که بحساب جزو عمل آنها رسیدگی نماید  
 بعد از رسیدگی معلوم شده است که میباشد مزبور بقدر صد  
 تومان زیادتی بانها کرده است رعایا عرض کرده اند که منظور  
 ما این بود که بحال رعایای خراسان اطلاعی بهم رسانند و این  
 تنخواه را پیشکش دیوان اعلی می کنیم مقرب انخاقان مشارالیه  
 در جواب آنها گفته است که دیوان اعلی احتیاج باین پیشکش ندارد  
 و منهم از عواطف این دولت علیه چشم باین منفعیاندارم و  
 مبلغ مزبور را از آن میباشد حکم کرده است گرفته آورده اند  
 موافق فرح حساب از هر یک از رعایا هر چه گرفته بوده است با آنها  
 رد نموده و رعایای مزبور از اینمحضی زیادتی کرده عا کوی دولت علیه  
 دیگر نوشته بودند که در صحن مبارک ضمیمه و اطراف خیابان بعضی الواط  
 و اشعار و کاکین کسوده و سکنی گرفته مرکب قمار بازی و خلاف رعایا  
 دیگر شده اند مقرب انخاقان مشارالیه و کاکین مزبور را بجای کوبیده  
 داخل خیابان کرده است و اشخاصی را که مرکب اعمال ناشایست و  
 سرقت و غیره می شده اند تجزیهات کامل نموده و این اوقات  
 مطلقا کسی از زودی و قمار بازی و غیره برده نمی شود  
 و هر کس مرکب خلاف شرعی بشود گرفته بزواومی آورده و  
 بسزای می شود و باین سبب کسبه و عجزه که گرفتار نظام اول شراره  
 بودند کمال آسودگی و رفاه را دارند

۱۱۱۸



دیگر نوشته اند که در سخن عتیق رخصه ضویه علیه الاف لشنا  
و آنچه چون ایوان طلا سالها بود که جلاد او شده بود و در  
اوقات مقرب الخاقان شارالیه آدم که داشته پنجین و سیب  
ساخته مشول پاک کردن و جلادان طلای ایوان بر بورد  
و پنجمین بعضی موقوفات سرکار فیض انار که در تصرف قدیم  
بود و وجو مات از ابصارف خود میرسانند از بد آنها اتراع  
و قرار داده است که وجو مات آنها صرف تعمیرات و مخارج  
و غیره خود سرکار فیض انار شود و از حق التولیه که از قدیم قرار بوده است  
بتولی باشی از موقوفات حضرت میرسیده است قرار گذاشته است

که حمام و بازاری برای حضرت ساخته شود و خود دخل و تصرف  
نموده است از خط و در ب صحن عتیق زباطلی خراب مشهور است  
که از موقوفات سرکار فیض انار و در تصرف اولاد متولی با  
قدیم بود و در روز سبت خرابی یافته تا این اوقات کلی  
طنیه آبادی افتاده بود و باطنی بود از تصرف آنها اتراع  
و قرار گذاشته است که خراب نموده و کالین بمانند که اجازت  
بمصارف سرکار فیض انار برسد

### کرمان

از قرار یک روز نامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم  
محمد سخان سردار حکمران یزد و کرمان در انتظام امور سرحدات  
و دیندجات و خرا و پنجاهها استقام کامل بعمل داشته و  
و سردین از هر طرف در کمال اطمینان و خاطر جمعی عمل  
قافله فارس و قافله بندر عباس درین روزها از راه بلو  
سیرجان دارو گردیده اند

دیگر نوشته اند که این اوقات در بلوکات کرمان پناه آباد  
روز سه شنبه بود امیرالاعظم سردار حکمران و جار کشیدند

که هر کس پناه آباد دارد بفرمانخانه برده صاحبقران سکه نماید  
چون باز رسم فایده نکرده و مردم پناه آباد بفرمانخانه نمی برده اند  
حکم شد که پناه آباد که چهل و چهار عدد دیکتومان است بخواهد  
بیک تومان رواج باشد باین ملاحظه هر کس پناه آباد داشته  
بفرمانخانه برده صاحبقران سکه کرد و چون پول کرمان و آن  
و پناه آباد بود حکم کردند که نیم قران و ربع قران سکه  
که پناه آباد طلب و بگردار دست نشود و مکان است که پناه آباد طلب

بجلی از میان مردم برداشته شود

### اجبار دول خارج

انگلیس در شهر لندن از قدیم قاعده دارند که مالیات و اجزای  
خود شهر در دست حاکم و چند نفر از اعیان است و جمع خرج این  
مالیات دخلی بدین انداز و این قاعده موافق فرمان ایام قدیم  
که از پادشاهان سابق انگلیس دارند و حاکم شهر خود اعیان شهر که از  
صنعتکار و کسبه برضای اهل شهر هر سال برقرار میشود از آن پادشاهان  
حکومت او را ممضی میدارد اعیان شهر لندن اطلاق زیاد دارند و چون  
کمرک از بعضی چیزها میکنند از خط و دخل سسکی و توجیحات بازارها  
و غیره جمع زیاد چند کردند و درین روزها اهل شهر از  
اعیان خودشان کاه دارند و بدین عرض کرده اند که در خصوص  
عمل ایشان تحقیق شود و درین روزها در مشورتخانه پادشاه تخمین این  
مطلب شده است و معلوم می شود که در بعضی چیزها اجزای  
می کنند خصوصاً در معاینه که چنین اوضاع و احوال سسکین بر پا  
می آیند که گویا کمتر از خوانین یا سلاطین روی زمین منظور است  
داشته باشند از جمله سسکی حسب فرمان پادشاهان قدیم  
این است که یک فرج سبز و یک فرج سوار نظام و توپخانه نگاه  
میدارند و این غیر از نظام ضمیمه است که بجهت نظم شهر برقرارند

۱۱۱۹

باشد میگرد و حرف خلق این است که این اخراجات لازم نیست  
 و بهترین است که این پول را در تعمیر شهرها متنهند و راهها و  
 و سایر اخراجات لازمه که خیر عام در آن است خرج بشود و در این  
 مطلب در روزنامه لندن گفتگویی شده است و کوبا و آری درین  
 خصوص خواهد شد و لکن مشکل اینست که این سلطان که در دست اعیان  
 شهر لندن است موافق فرمان پادشاهان سابق انگلیس است که برای  
 او قدری اشکال دارد

در خصوص سیاهپه که اول غلام و کنیز بودند در جزایر هند  
 که چند سال پیش ازین حکم دولت انگلیس دولت متشدد کرد و  
 پول بصاحبان آنها داده و آنها را آزاد کردند در روزنامه

این اوقات لندن باین طور نوشته اند که در اسکامی که این غلام و  
 کنیز را آزاد میکردند مردم خیال میکردند که بسیار عمل خیر و  
 نیک خلق است زیرا که چنین هستند که غلام و کنیز سیاه آن مملکت  
 بعد از آنکه آزاد شدند مثل رعایای سایر جاهای روی زمین

شغل عیسی میشوند و کدزان خود را از عمر عیسی در می آورند حال  
 در بعضی جهات دیدند که اینطور شده است برای انولایت بطور  
 که این سیاهها چندان رحمت لازم ندارند خویشان از میوه  
 جنگلی واهی فراوان بدستان میرسد درین صورت اقدام

بر عیسی و عمل کی نمیکنند و سیاههای مغرب زمین بالذات  
 تهن اند و برضای خودشان کار نمیکنند ازین دلائل بسیار  
 از سیاههای آن جزیره که سابقا غلام و کنیز بودند حال  
 در کوهستان و جنگلهای آن مملکت بی کار مانند آدم و حیوان

و املاک مردم مسم در آن جزیره که از قدیم زراعت آنها کلاً  
 غلام و کنیز بود و شکر و قهوه و پنبه و چندین حاصل دیگر فراوان  
 بعضی می آورند از زراعت افتاده و تنزل ریاض کرده است و

بجمله طلاج این ضرر از بند و چین فعلها آورده اند چونکه اینها  
 کارکن با غیرت هستند خصوصاً این چین فی بعضی تلافی آن  
 ضرر را کرده و فرق جزئی بجهت صاحبان املاک در آن مملکت  
 کرده است و لکن باز بسیار که پیش نوشته شده است املاک

آبشار و بتزل است

فراست

درستان گذشته در شهر پاریس شکل برشلی را که یکی از شهر  
 نامیلیان بود از سنگ تراشیده و در میدان باصفائی گذارند  
 و کل رزالماد صاحب منصفیان و خوانین عمده در میدان  
 منور حاضر شده اند

شهر پاریس چونکه بسیار باصفا و نخل عیس است غربان از خانه  
 بسیار با نخامیر و نبطوریکه بعضی اوقات تنزل بسیار کرد  
 میشود و سبجه یک جالی که چندان خوب نیست باید اجرت

ریا داد و ازین جهت درین روزها چند نفر از دولتمندان اولیای  
 بنادارند که با هم شریک بشوند و هفتخانه بسیارند که چند  
 هزار نفر در او جا بگیرند و از فرار حاجی که کشیده اند بسیار جا  
 بازیست و اس خواهد شد و چونکه تخوا این اشخاص بسیار است

و از هر قسم آذوقه و ما بحتاج کلیه میکند که قیاس از آنتر شود  
 اجرت از غربانی که با نخامیر و نبطوریکه کمتر خواهند گرفت  
 قراریکه طرح این هفتخانه کشیده اند میانش چنان بزرگ است  
 که کالسه با اسبها در میان آن راه میروند مانند اینکه در

میدان باشند و میانش ترکیب کنند بزرگ است و میدان  
 کنبد از شیب بسیارند مانند چرخه که در روز روشن باشد  
 و در شب با چهل چراغ و قنادیل دیگر از بخار و فعال سنگی روشن  
 و میانش حوض خانه و فواره و درختها نیز دارد

از فراد روزنامه فرانسه خوراک اهل پاریس از گوشت و ...  
سال گذشته باین تفصیل است

۱۸۵۰ ۱۸۵۱ ۱۸۵۲

کابو ۸۸۲۴۲ ۶۶۶۶۵ ۶۳۲۵۵

گاو ۲۲۹۹۵ ۱۷۵۸۰ ۱۵۸۲۶

گوساد ۷۴۴۴۱ ۷۵۲۷۲ ۷۵۲۶۶

گوسفند ۵۲۱۷۵۷ ۲۹۱۶۸۰ ۳۸۲۸۲۷

و حساب سال گذشته را که بتاریخ فرمکی سنه عبوی بود  
موشه اند و در ماه ربیع الاول آخر سال مزبور بود

و لکن از فرار یک مختصر در روزنامه نوشته اند زیادتر از سال  
دیگر گوشت بمصرف رسیده است و ازین حساب معلوم

که اوضاع خلق در شهر پاریس رو به برتری است و اینها غیر  
گوشت مرغ و ماهی و شکار و غیره است که از این لحاظ هم نیز

زیاد بمصرف میرسد

احوال است ممتزجه

در حکام امتناش چند سال پیش ازین روز که یا عیان  
ان شهر پای روم را بیرون کرده و دولت را برسم

زده و دولت جمهوری برپا کرده بودند و بعد قشون فرانسه آمد  
بجنگ غلبه یا عیان مستان شهر متصرف شد و پاپا را باز

در اینجا مستقل و برقرار گردید و از خوانین مملکت رومی  
بزرگ ساخته است بجهت اهل قشون دولت فرانسه که در آن

جنگ کشته شده اند و این مقبره را در جانی با صفا بیرون شهر  
ساخته است از سنگ مرمر سفید است و با کمال وقوفت

و استیقام ساخته اند بعضی از اهل روم از اعتناش آن ایام  
جنگ آمده بودند و خیلی رضامندی از آمدن قشون فرانسه با

داشتند که باز نظم در ولایتشان گذاشته مخصوص مزبور که این  
مقبره ساخته است از خمد اشخاصی بود که رضامندی از فرار  
دارد و این مقبره را در راه توابع از پول خودش ساخته است

از جمله اخبار غریب که در خصوص دزدان شهر پاریس نوشته است

اینست که بسیار دزدان کبک بر آمدن پاریس آمده اند بسبب  
اینکه میگویند در لندن کارشان از پیش میرفت و نمیتوانستند

که زان خود را پیدا نمایند و از فرار تقریر دزدان دو باعث  
داشتند است یکی اینکه در لندن دزد بسیار بود و مثل دزدی

کم یکی دیگر که کسب کچیان دیوان بسیار هوشیار بودند یکی این  
دزدان در شهر پاریس بدست چاکران دیوان افتاده بود

معلوم شد که تنخواه معمولی اند و خانه است و اکثر پولش در نزد صراف  
بود و در آن محله که سکنی گرفته بود و بچشم میزد است که دزدان از آن

دزدیت همایکان او کمان سیر و ند که مروی معتبر است یکی  
اینجا که دزدیش ثابت و حکم حبس او را دادند وقتی که او را بحبس

میروند و در راه با خود حرف میزد و می گفت چه بجهت نام القدر  
مال بدست من آمده بود که دیگر احتیاج بدزدی ندارم و با خود

فرار گذاشته بودم که اگر این دزدی آخر بخیر بگذرد تو بکنم که  
دزدی نکنم اما چه فایده که حال گرفتار شده ام و چاره ندانم

اعلامات

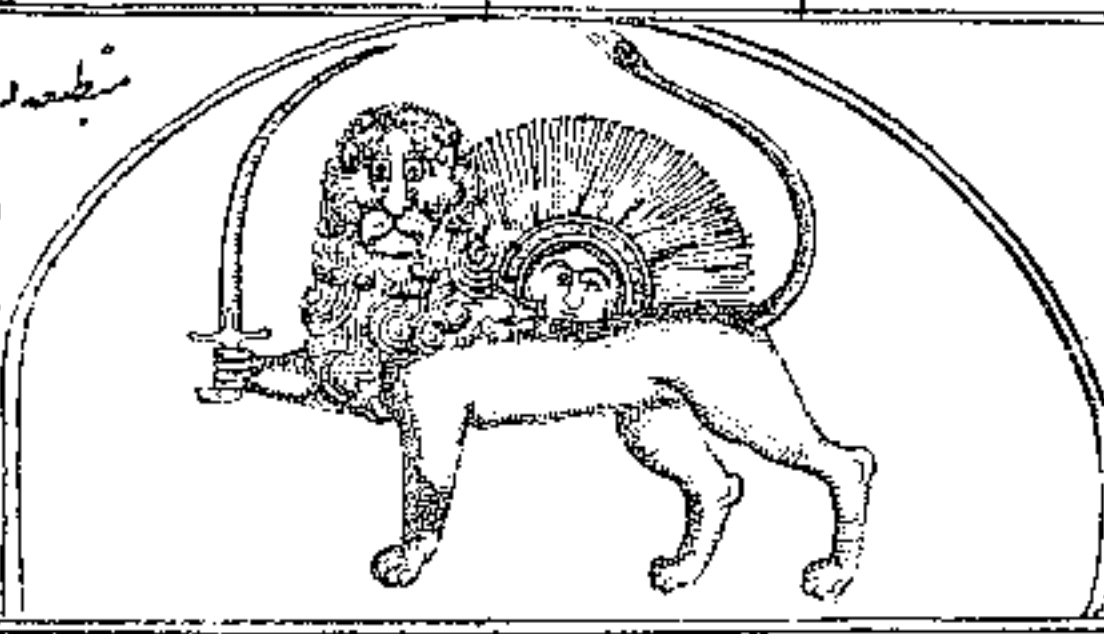
کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پوراک  
معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی ترجمه و در دارالطباعت

روزنامه انطباعت شده است در دست دارالقشون فروخته شد  
هر جلدی شش هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شبیه زده ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

نزد صد و پنجاه و پنج

قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهه  
دو تومان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یک خط از چهار هزار  
بیشتر با هر خطی

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین روز که ماه مبارک رمضان و ایام صیام و عبادت است  
اعلیحضرت پادشاهی درینا و دران تشریف دارند و  
و ایچان دولت علیه و چاکران حضرت گردون بطلت  
روزه را تا وقت عصر بجهت استراحت و عبادت و تلاوت  
از تقدیم خدمات دیوانی حسب الامر بایون مرخص و معاف  
و هنگام عصر نزدیک بغروب آفتاب شرفیاب حضور مبارک  
کرده بعد از آن در خدمت جناب جلالت اباجن اکرم  
صدر اعظم شهبازاناصبح هر یک در مرتبه و مقام خود بجماعت  
مرجوعه اقدام دارند و همچنین افواج قاهر نظام نیز درین  
ایام صیام بجهت تقاضای دره زه واری از مشق و سایر عبادت  
معاذ اند کرم دست که بقراولی نامورند در سر فراولی خود  
میباشند و جناب جلالت اب صدر اعظم شهبازان  
می نینند و مشول گذران امور دولت علیه میباشند  
فرج و ماوندی که در اصفهان متوقف بودند درین ایام  
یرکاب بایون احضار شدند در روز شنبه ششم این ماه مقرب  
میرزا فتح الله شکر نسین پاشی در بالای نیاوران آنها را

بوقت یکی یکی سان دیده و رسیدگی نمود و همگی در کمال  
اراستگی و شکر و سپاس دادند و بعد از آن حسب الامر  
بایون مرخص غایبند که چندی رفته در او جان خود آسوده  
باشند  
در شب چهارشنبه سیم ماه رمضان باد شدید در دارالخلافه  
و سایر اطراف و در آنجا وزیدن کرد  
بارعد و برق و بارندگی زیاده و سجده که کوشش خرابی  
و کندن و سنگستن اشجار میرفت تا صبح چند نوبت با آن  
شدید و تکرر آمد و از آنوقت آب رود و قنوا که از کوه چاب  
تفاوت کرده و زیاده تر شده و امیدست که بحال  
فایده کرده باشد از جهات اتفاقات در آن شدت طوفان  
سربازی از فوج چهارم آن شهر به نیاوران می آمد خود را  
با آتش سنجایی که در آنجا بود افتاده و بعد از چند روز  
که آنها را پیدا کردند الاغ تلف شده بود و آن سرباز  
بنم جان بود که بعدت کردید  
و هم درین روز که آب رود خانه جاجرو و شدت در

۱۱۲۲

مجلسی که در آنجا تجارتی داشته و از نمازندان به آنجا  
 می آمد است و چند کسبه پول نیز برسم امانت از آنجا  
 دیگر در میان بار آورده در عبور از رودخانه بار آورده  
 برده و بدست نیاورده بود چون ایل پادشاه که ابوالفتح  
 حاجی مبارک خان سر قریب میباشد در اطراف رودخانه  
 بزوبسکنی دارند عالیجاه مشارالیه از گذارش مستتر شده  
 آدم میان ایل بزبور فرستاده بود اموال آن شخص <sup>چند</sup> آنقدر  
 از میان آب بیرون آورده تا آنجا بصاحبش تسلیم و قبض رسیده  
 از او دریافت کرده بودند

چون درین اوقات موکب هایون در نیاوران تشریف داشتند  
 با شش روز نامه نیز بجهت پیشرفت کار روزنامه در نیاوران  
 هر کس میباشند روزنامه کار داشته باشد در نیاوران  
 و در باب تقسیم روزنامهها آنچه در طهران مستند موافق است  
 روزنامه میخسبه روزنامه با آنها میرسد و آنها نیز که در موکبهایون  
 میباشند در روز فروردین روزنامه با آنها میرسد اما آنها که در سایر  
 شهرات شیران منزل دارند اعلان می شود که در روزنامه میخسبه  
 یا بنامه آن فرستاده روزنامه خود را بیکدیگر یا بکسی محول نمایند  
 که روزنامه آنها را در نیاوران از فرشان روزنامه دریا  
 نموده با آنها برسانند

سایر ولایات

اورز پایتختان درین مهفته نیز اخباری ازین ولایت  
 نرسیده که در روزنامه نوشته شود

مازندران

از فرار یک در روزنامه مازندران نوشته اند نواب میرزا  
 و آقا مصطفی علی میرزا حکمران مازندران در انتظام امور ولایت

و تقدیم مهمات آنجا کمال اهتمام را دارند و خلعتی که از جانب  
 سنی ایچو انب اعلی حضرت پادشاهی بافتن نواب مغزی الیه  
 مرحمت شده بود در او اواسط شعبان مژده آن شاهزاده  
 روز هفدهم برای خلعت پوشان ساعت سه تعیین کرده  
 با جمعی از خوانین و سرکردهگان برای حفظ شرایط احترام خلعت  
 اوقاب طلعت تاد و فرسخ با استقبال رفته بعد از ادا ای لوازم  
 جشن و شادی خلعت هایون را زین ووش خود ساخته  
 معاودت بشهر کرده بودند

از فرار یک نوشته بودند در نیاوران بعد از چهار روز  
 شکر در کارخانه های دولتی بلده ساری و بار فرودش سفید  
 و مدد رسیده است و شکر بزبور و اچمی تمام تمام در اول  
 دار و دردم بامیل و غت با طرف میرسد

از فرار یک نوشته بودند یک نفر از جماعت اوصاف نوبواب  
 شاهزاده عرض کرده بود که بعضی اجناس از دار استیلا  
 اقباع کرده آورده بودم که در بلده ساری بفروش  
 قطع شوم شب را در بازار توقف کردم اسباب بزبور را  
 از من سرقت کرده تمام و کمال برده اند نواب مغزی الیه  
 نیز بیه از اسخضار بر این محسنی محصلی معین کردند که رفته  
 از دار و غه بازار گرفته بصاحبش رد کنند محصل بزبور  
 رفته مال را استردا کرده بان شخص داده بود

خراسان

از فرار یک در روزنامه عرض راه خراسان نوشته بودند از  
 اتهامات اولیای دولت علیه هر یک از منازل عرض راه  
 نظم اوارد و کفایت است در آن راهها حاصل است و  
 مردم از رواد و قوافل عابرین و مترددین با کمال خوشحالی

۱۱۲۳

می کنند و این اوقات از سه هزار نفر بیشتر از اهل اذربایجان  
و اصفهان و قرمان و شیراز بعزم زیارت شریف مقصد  
میرفته اند

نواب میرزا شاهزاده و الایثار فریدون میرزا و نافرهای خراسان  
که باقی در بند شریف برده بودند قطع آق در بند و فرود  
که جای سختی است و برای حفظ و قراولی ملک بسیار کما  
می آید بنای تعمیر و آبادانی آنرا که داشته اند و بعد از آباد  
امید دارند که برای حفظ و حراست ملک خراسان بسیار  
مفید و نافع باشد

**عربستان و پرچم**

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
حکومت مایون اعلی حضرت پادشاهی که از دربار  
جهاندار با فتحش شاهزاده و الایثار احتشام الدوله  
صاحب اختیار بر و جرد و نخبه باری و عربستان و  
رستان انقاد شده بود در روز بیت و سیم  
شعبان حلف منور بر بستان رسیده و نواب  
شاهزاده از باغ شاه با استقبال حلف مایون  
پیاده بیرون آمده و لوازم توقیر و اعزاز و احترام  
را معمول داشته و خلعت پوشان مراجعت نمود  
سجده شاهی خلع کرده اند و خلعتی نیز که بجهت  
نواب امیرزاده نایب حکومت عربستان و عالیجاه  
نور محمد خان و ولی خان و سید علی خان سر قریب  
مرحمت شده بود و نواب شاهزاده احتشام الدوله  
ببست خود با نهاداده و زیب بر و دوش اعتبار و  
افتخار خود نموده اند و بنه نوکر در بیت که در آنجا بود

۱۱۲۴

شربت و شیرینی داده و دو سب نیز خدمت لوگرا  
در آنجا ضیافت نموده اند

و یکروز شده اند که جناب شیخ سعد خویزه که از علمای  
معروف و فاضلان است بعزم زیارت علی ابن ابی طالب  
علیه السلام از آنجا روانه گردیده و در حرم آباد نواب  
ایلی درم میرزا کمال اعزاز و احترام را از اول لعل آورده  
و او را با کسانی که همراه داشته نسیان معقوف  
نموده اند و هم چنین در ورود جناب شارالیه بر پرچم  
نیز حسب الحکم نواب شاهزاده و الایثار احتشام الدوله  
جمعی از علمای و فضلا و معارف چاکران و یوانی و اعیان  
ولایت او را استقبال نموده اند و همکاران تعیین گردیده  
ده روز در پر و جرد توقف داشته و از آنجا روانه مقصد  
شده اند

چند نفر از حجاج که از بره جرد بعزم زیارت کوه معطر رفته بودند  
بجهت حسیاط قشون کشی در محاکم عثمانیه و ممانعت جناب  
امام جمعه تبریز از تبریز باو خان خود مراجعت کرده اند و از  
قرار مذکور باقی حاج ارزاء سلیمانیه بنا داشته اند که مقصد

فوج البواجینی عالیجاه و لیجان که در حرم آباد هستند چون بواسطه  
کم بودن غله در آنجا چیره آنها از آنجا داده نمی شد نواب  
حتشام الدوله حسب الاستقامی آنها مقرر داشته اند که چیره دو ماه  
شعبان و رمضان آنها از سیلاخور حمل و نقل شود و آمدن غله  
از آنجا هم باعث اطمینان فوج و مسم سبب شکین فلوبه الایثار گردید  
نوشته اند نواب احتشام الدوله بعد از ورود از عربستان قدری نقاشی  
و ترسیم و لی این روزها صحنه و در کمال انعام با برز یوانی میرزاده

# کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند نام آن ولایت  
 در سنای نظام است و نواب شاهزاده و الاخبار عمادالدوله  
 فرانسوی خود را با چپ نرس حفظ و حرمت بازارها و محلات  
 محاشه اند که شبها بازارها و کوچهها را گردیدند و قبا که از  
 احدی نسبت بالو حال دم بی اعتدالی ظاهر شود  
 در روزنامه این ولایت نوشته اند که این روزها بعضی قبا  
 جعلی در آنجا ابراز شده و کسی نمیدانست که جعلی و کذب  
 این عمل کیت نواب عمادالدوله و این کیفیت اطلاع یافته بعد از  
 تجسس و تحقیق بسیار معلوم کرده بودند که سید یا قریب  
 اصغاری قباجات جعلی را درست کرده بدست مردم میداده  
 مشارالیه را خواسته بعد از رسیدگی باین مراتب طوری با  
 او قرار دادند که بعد از حجت انکاب بکوه امیر شاه

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عباسعلی خان سرک فوج بر جلوه  
 اسراء سر بازار ابو اجمعی خود و عالیجاه پشن صاحب علم  
 همه روزه در بیرون شهر مشغول مشق هستند و عالیجاه پشن صاحب  
 در مشق سرباز کمال وقت و اهتمام را دارد و توپچیان سرباز  
 الی چهار ساعت از روز گذشته در میدان توپخانه مشق  
 و آداب مشق را بطریق خوب فرموده اند

دیگر نوشته بود که وزیری در کرمانشاه پیدایشه اموال مردم را بر سر گرفته  
 و معلوم نموده است که مالی شهرت نواب فرانسوی شاهزاده اطرا کرده بود  
 اتفاقا راجه سخی آن زارخانه خود بیرون می آید در کوچه ای  
 باسلام کرده و درین سلام نکست تغییر نموده و شرح کرد و در نواب فرانسوی  
 که باید در نزد پوین جوان با او را بخانه برده و بعد از تحقیق و دیده او را  
 بود که این روزها همان کرده ام و بعد از او را مشارالیه اموال مردم را

بعینها گرفته ایضا جانش رو کرده و خود او را نیز خب حکم نواب شاهزاده  
 تمیز نموده و حبس کرده است  
 اجبار و ول خارج  
 فرانس

پرنس ناپلیان که حسب حکم امپراطور فرانسه روانه اسپانیا بود  
 پیش از رفتن خوانین و دوستان خود را در پاریس معانی کرده بود  
 و در دسام ماه جب از آنجا روانه شد که باسلامبول بیاید  
 در شهر رسید و مقامی حرمت و خدمت نسبت نواب شاهزاده  
 کرده اند

میگویند که دولت فرانسه بنا دارند که در خصوص خوانین آن  
 مملکت و حق آنها لقب خانی یا تیمه قاعده ارثی یا آنچه حکم دیوان  
 این ایام تحقیق و تحقیق میکنند و هر کس که تواند نجابت خود را  
 ثابت نماید قدغن باشد که لقب خوانین با داده نشود و همچنین

خصوصشان که از ول خارج داده شده است و مردم در  
 فرانسه میزنند چون سنج در قزاقستان هر یک ثانی بنجه سله خود  
 دارند و بعضی مردم این نشان را بر میدارند و روی کاک و مهر  
 و غیره خود میدارند که حق آنرا دارند درین خصوص نیز بنیاست  
 که تحقیق شود و هر کس که نشانی که مال سلسله او نیست زده باشد  
 قدغن شود که نزنند و اگر بعد ازین خلاف این حکم کند جریمه میشود  
 ابطاع این حکم میگویند بسیاری از مردم که حالا لقب خانی  
 باید این لقب را موقوف نمایند که حق آنرا دارند و بسیاری از اشخاص  
 که از دروغ نشان دول خارج میزنند بعد از تحقیق معلوم میشود  
 که حق این نشان را ندارند حکم میشود که دیگر این نشانها را نزنند

مهند و چین  
 از قراریکه در روزنامه هندوستان نوشته اند حکم

۱۱۲۵

برسد باز بود و لکن حال از طرف این برسد میدان جنگ می آید  
 که ایستادگی بکنند جنگ گریزمی کنند میان جنگها بود  
 و چپاول زیاد می کنند از چین رسم نوشته بودند که تا  
 از شهر شنگ با برادر تصرف داشتند و تا بیست و پنج  
 پای تحت رفته بودند و بنیاد داشتند که در آنجا هنگام  
 که قشون کشی میشود توقف نمایند

### احوال مشرق

از فرار یک در روزنامه فرانسه نوشته اند در شهر پاریس  
 و شصت نفر انگلیس گرفتارند بغير از اطفال مشورتخانه در مملکت  
 فرانسه در کارند که بنائی بگذارند در باب مکتوبات که مردم  
 می نویسند و میان ولایت میفرستند بجهت طرف مملکت فرانسه  
 که بفرستند چهار شاهی اجرت آن باشد در صورتیکه آن شخص  
 که کاغذ می فرستد پول آن پیش بدهد و اگر پولش پیش  
 ندهد پیش شاهی اجرت قرار میدهند

در شهر لندن بنیاد دارند که پل تازه در رود طرس بسازند و مقادیر  
 سید هند بعماران و از فرار یک نوشته اند بقدر یک کرو پول  
 ایران خرج ساختن پل میزور میشود  
 در بین روز در شهر نیویارک یکی دیناشش دفعه شش فتنه  
 و قیامت خانها و اموالی که در آنجا سوخته است چهار کرو رویم  
 پول ایران میدهند

خوراک اهل شهر پاریس از برنج اکثرش برین اوقات از  
 خود مملکت فرانسه بصل می آید هم ارز آنرا از برنجی که از خارج  
 است و هم بهتر از برنج هندوستان و مملکت پیدانت است  
 و این کار را تازه براه انداخته اند اما بقادر مملکت فرانسه  
 برنج متداول نبود که بکارند

راه امن بجهت تردد کال که بخار و در پانامه مابین سحر محیط  
 و سحر محیط معتدل درین روزها قریب با تمام است و وقتی که  
 با تمام برسد کمان دارند که منفعت زیاد بجهت آنها که درین راه  
 نخواه گذاشته اند بکنند

در مملکت آنتیس موش بیابانی چنان زیاد شده است که ضرر  
 کلی بجاصل آنجا رسانده است و ام و نه موش گیری برای گرفتن  
 موشهای مذکور ساخته و در مینسی که بعد رنجا جزو موشها  
 بود درسی موش روز پانزده هزار و سیصد و پانزده موش

در روزنامه سنکی دنیای شمالی نوشته اند که از جمله حیوانات  
 غریب که در کلی فارینا جستند افسی از تار پشت یافته اند که  
 در ع درازی اوست

در ساختن راهی در مملکت ایرلند فتنه با که در آنجا مشغول کار بودند  
 بسیار سباب طلا از کافتندیم از زیر خاک بسته اند و جان سباب  
 خود فتنه ببردند اندکی از آنها که احمق بود کلا خود را ازین طلا  
 پر کرده بود و از راه نادانی شخصی بیخ سی پند پول نکلیس که  
 تخمیناً شصت و شش تومان پول ایران باشد فروخته بود و  
 طلای مذکور را کشیدند صد و ده شش نیم بود که بوزن ایران  
 شصت و سه مثقال است و طلای بسیار صاف و خوب بهتر  
 از طلای پول نکلیس بود و این سباب اکثرش دست بند بود  
 و غیره بود از کارایام قدیم

ده لت انگلیس بنیاد دارند که قشون سوار نظام که با سوار سول  
 میمانند از راه فرانسه بفرستند و راهی که باید بروند باین  
 از لندن تا دور که کتا مملکت انگلیس میباشد و در فرسخ  
 دور تاکنش که اول خاک فرانسه است بروی دریا شش فرسخ



و یک ربع و از کانس تا پاریس پای تخت فرانس پنجاب  
 فرسخ و از پاریس تا شانسن پنجاب و نه فرسخ و نیم و از آنجا بود  
 پنجاب و چهار فرسخ و یک ربع و از او یکنان تا سبلر پنجاه  
 فرسخ و سه ربع که جمیع این راه دو سبت و بیجده فرسخ و  
 سه ربع می شود و از آنجا کشتی می نشینند و از راه آنی که  
 با سلا پول می بند

از قراریکه در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند بار بعضی  
 مردم خیال باغیگری از دولت استرلیه در ولایت لامبارد  
 داشته و بسیاری مردم از آنجا گرفته و محبوس کرده بودند  
 مثل ریوشکی سر کرده کل قشون استرلیه و در آن محکمت و جلا  
 اهر اطوریه شصت هزار قشون زیاد تر از آنچه در آنجا بود  
 خواسته بود از برای ساختن آن ولایت و نگاه داشتن آن

در روزنامه نیکی و نیای شمالی نوشته اند که گفتگویی با این  
 دولت اسپانیول در خصوص این مطلب شده است که ال  
 دولت اسپانیول یکی از کشتیهای نیکی و نیای شمالی را  
 در نزدیکی جزیره کوپه گرفته بودند دولت نیکی و نیای شمالی  
 کشتی مزبور را پس خواسته بودند و آنجا داده بودند و این  
 نزدیکان کشید بود که با این دولتین بچنگ نیجا

جمیعی از محکمت بر این بنا دارند که کشتی در رودخانه آنرا  
 بر آه بند آند و بجهت این کار دولت و چهل هزار تومان پول  
 ایران جمع کرده اند و بنا دارند که کشتیها در رودخانه مزبور بر  
 بند آند که سر تا سر رودخانه مزبور کار بکند و این رود در  
 رود های روی زمین است از قرار تقصیل آن که در جزایر  
 اور محکمت ایچکای جنوبی میگرد و چند رودخانه های بزرگ داخل

یکدیگر سنده باومی پیوندند و در آنجا که داخل دریای شود  
 چهل و پنج فرسخ است آب این رودخانه شیرین است و در  
 مساحت که تنگ بسیار زیاد است و این نهنکها بسیار درند  
 و تا هفت وزع و شش وزع درازی آنها را دیده اند و حکما  
 که در دو طرف این رودخانه واقع اند از حیوانات برین  
 گراز و میمون قسی از ببرد مارهای زبردار بسیار و آهو از  
 و مرغهای بسیار خوش رنگ و خوش کل و در وقت سیل آب  
 این رود چند محکمت را فرو میگرد و در زیر آب میبرد و  
 که داخل دریای شود زیر خط استوا

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که حاصل قهوه سال  
 گذشته در جزیره سراندیب سی و یک هزار خرد و اربوزن  
 است عباسی شده بود و این زراعتی تازه است که در آن  
 بر آه انداخته اند سابقا اگر قهوه از آنجا و جزایر نیکی و نیای  
 می آمد چند سال پیش ازین تخم قهوه از آنجا آورده و در جزیره  
 سراندیب کاشته اند و بسیار هم خوب بعین آمده است  
 از برای این کار کم داشتند و الایش از اینهم بعین می آید

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدال  
 با سمسچی در محله نزهت یک دروازه دولاب لطباع شده  
 از اینم تر فروخته میشود

- حمت نظامی بیت و پنجره
- سر ابر و دو تومان
- زبدة المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان
- حدیقه الشیخه ششصد

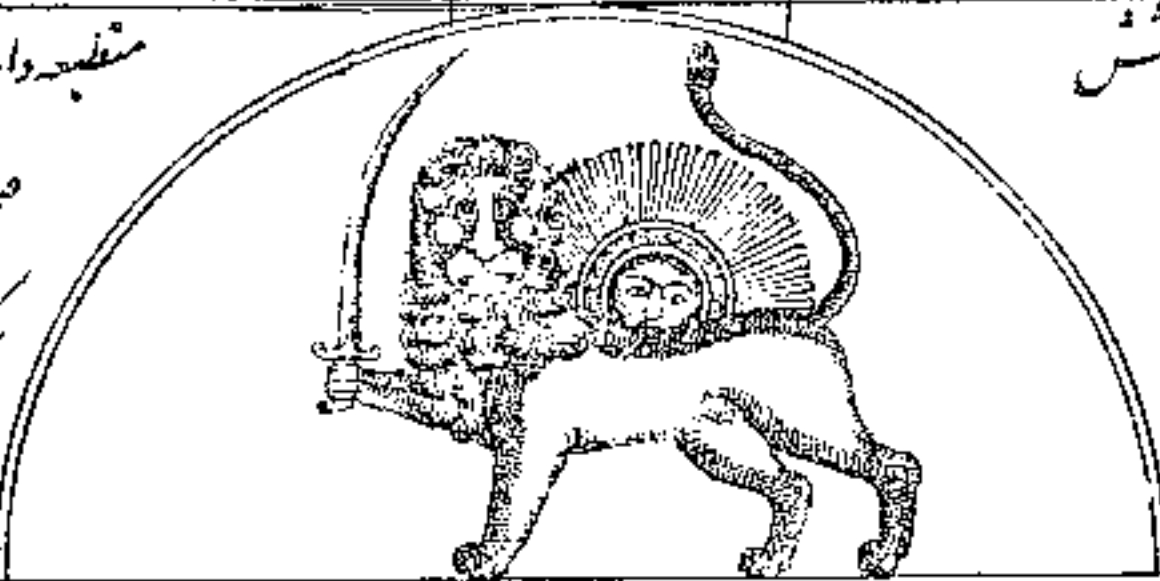
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم شهریور ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

مزه صد و هفتاد و شش

قیمت روزنامه

یک نسخه در یک سال

در فانی چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط ایچا خط یکبار در یک

پنجاه روز یک خط

اجبار و احسان مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب سه شنبه نهار و هم ماه رمضان المبارک پادشاهی بهمانی جناب جلالت آفتاب عظمی بسم بخت بناوران که در جنب عمارت سلطانی مخصوص جناب معظم الیه است شریف فرما کردند و لوازمات پیشکش و پای انداز و قربانی و تکلفات ضیافت بطور شایسته بعمل آمده و در آنجا اوقات فرمودند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشتند خدمتگداری کسان جناب معظم الیه مقبول و مستحسن خاطر ملاحظه افتاد و مورد نوازشات خسروانی گردید

چون همه ساله معمول دارالخلافه طهران است که در ایام ماه مبارک رمضان اصناف و کسبه جمع شده و کسبه جمع شده و حجرات ترتیب میدهند و از هر قسم اقسام و تقسیم و ظروف و بلورالآت و غیره در دو کالین خود گذارند و او دستنمایند تا چند سال پیش ازین جلوس میگردیدند و اینش میدادند و در آنجا اسباب گذاشته و داد و ستد میگردیدند بعد از آن دو سه سال در ضمن انامزاده رزید و آنرا که داشته اسباب می چیدند اما سال را اور میدادند

جدید جلوس دروازه ارک مشهور به سبز میدان که تا زمانه شده و بسیار جای باصفا و خوب و شجران حجرات تختانی و فوقانی است حسب الامر تا یون کسبه و صنایع جمع شده حجرات ترتیب میدهند و اسباب و اسباب از هر جنس و هر قسم در آنجا چیده داد و ستد نمایند و آنجا بجهت تفهیم چگاه روزه داران بعد از فراغت از طاعات و عبادات مساجد که هنگام عصر و ضعف و ناتوانی روزه بجلوس بسیار بنماید خاصه در این ایام که منتهای بلندی است میدان تبریز و تاشای دکالین و داد و ستد و اجتماع خلق در آنجا مشغولیتی شده است که چند ساعت بعد از ناهار مردم در آنجا جمع میشوند و بخرد و فروش و تفریح و تماشای روزالبشام میرسانند و باین واسطه ضعف و ظرافت و بلورالآت و غیره در دو کالین خود گذارند و او دستنمایند تا چند سال پیش ازین جلوس میگردیدند و اینش میدادند و در آنجا اسباب گذاشته و داد و ستد میگردیدند بعد از آن دو سه سال در ضمن انامزاده رزید و آنرا که داشته اسباب می چیدند اما سال را اور میدادند

درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است اما در این اوقات خود را در مساجد صرف طاعات و عبادات و نماز جماعت و طراوت کلام الله مجید نمایند و علما و فضلا

۱۱۲۸

در منابر و معابد بخوانند ادعیه و مواعظ و دعای ذات اقدس  
همانگون استعمال دارند

این اوقات سرکار عالی حضرت پادشاهی محضره قور  
مرحمت ملوکانه در باره نواب مستطاب هزاره و الایبار  
حمت الدوله حمزه میرزا ایک ثوب کلجیو از طبوس تن  
مبارک بافتخار نواب معنی الیه حضرت رعایت فرمود

### سایر ولایات

از ریایجان از قراریکه در روزنامه اوزر باسجان  
نوشته اند نواب مستطاب هزاره و الایبار نصره الدوله  
فیروز میرزا و مقرب انخاقان میرزا صادق قائم مقام و  
پیشکاهل اوزر باسجان از روزیکه وارد التولایت شده اند  
انتظام کلی در امورات التولایت داده اند و عموم مالی  
و رعایا و سکنه التولایت آسوده خاطر و مرفه الحال گردان  
بکار خود مشغول و امورات التولایت بجهت در کمال انضباط

و سایر ایام موعده را اهل توکرباب از خوانین و اهل سلاح و  
نظام و اهل تجیر و ارباب مسلم بر خانه حاضر شده و یک  
به شکل و عمل و لوازم نوکری و تقدیم خدمات بر وجه سنجید  
مشغول میباشند

دیگر نوشته بودند که حلت تلایون که از جانب سی اسجوان  
ملوکانه بجهت نواب هزاره نصره الدوله حمت شده بود  
در روز سه شنبه بیت و چهارم ماه شعبان پر تو و صول  
افکنده نواب معنی الیه با همه خوانین و اعیان و اشراف  
ولایت و اهل نظام و غیر نظام و دهه عراوه توپ و سه فوج  
سرباز و مدارک شایسته تا حلت پو شان با استقبال  
شایسته و حلت و طلعت ملوکانه را بعد از اقدام بلوازم  
توقیر و احترام زین برود و شش اعتبار و افتخار خود نمودند  
و خطیب ادای خطبه بنام حضرت اقدس بیاون شایسته  
نموده بعد از صرف شیرینی و شربت بشهر تبریز حجت  
نموده اند

۱۱۳۹

از جمله فرامانی که نواب نصره الدوله و مقرب انخاقان قائم مقام  
داده اند یکی اینکه روزهای پنجشنبه را در بالای باغ سما  
چند عراوه توپ بیرون برده و توپچیان مشغول تیرانداز  
نشان می شوند و کمال جلد دستی و چابکی و مهارت را  
در تیراندازی و زد و کشتن لعل می آورند و همچنین افواج  
قاهره نظام نیز ایام هفته را در روز نوروش شنبه یک ضمیمه  
و روزهای دیگر مشغول سایر تعلیمات و قواعد مشق  
نظامی می باشند و یکی با کمال سکو و آراستگی و نظام  
حرکت می کنند و روزهای جمعه و دو شنبه از ایام هفته  
نیز ایام تعطیل است که این در خانه از تقدیم خدمات به شخص  
حیانت

از قراریکه در ضمن روزنامه اوزر باسجان نوشته بودند  
چند یوم قبل ازین جمعیتی از طایفه اکراد حکاری آمده دی  
از دوات چهریق را تا حلت و نماز کرده بودند و در شهری خان  
ایلیخانی خبردار شده با چند نفر سواره از آدوهای خود  
متعاقب در وان مبرور رفته بود که اموال منسوبه را  
از آنجا پس بگیرد و قوی که با کراوم نور رسیده بودند  
انها نیز تقدیم منازعه پیش آمده اند و درین مجادله و زد و خورد  
طرفین کوهلک لشکر اکراد حکاری بسینه سپری  
ایلیخانی خورده و مشغول شده است

دیگر نوشته اند که امورات شهر خودی انتظام کامل دارند

چهار صد نفر توپچی و دو فوج سرباز و توپ و دست  
پنج ریس سپاهان توپخانه که همه چاق و فربه باشند  
در سر عهد مزبور استند

اقوام او چند روز او را در خانه بنجیر کرده و مجوس بود  
محافظة اورا می کرده اند روزی که آن انجمنت کرده  
و مشارالیه بنجیر را پاره کرده و بیرون آمد سپه سالار

دیگر نوشته بودند اما می رودی یک امیر خوار اصل بل بل  
مبارک که در خوب و چاق و فربه نگاشتن اسپه  
توپخانه مبارک که اتهام کامل محمول داشته است بعد یک  
سجال باین فربهی و چاقی اسب توپخانه در آنجا ملاحظه

از مسایک آن اورا حیاط خانه بوده و بوانه مزبور با چوب  
آن طفل رازده و ملاک نموده است مردم خبردار گردیده  
و فرایشان اورا گرفته بحضور نواب نصره الدوله آورده  
بودند نواب معزی حکم نموده بود اورا مجس برده و حبس  
کرده بودند و روز مجس برده و قودت است

تعیین اجناس مستحضر

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش ازین و کان مشدی  
آقا جان نام برادر بریده و بقدر دولت تومان اسباب  
از او سرفقت کرده بودند و در دش معلوم بود تا اینکه  
تا در این روز یک طاقه شال کرمانی و یک ثوبه های  
تو از مال مشارالیه دلال بازار فروخته بود و محض صا دین  
دار و غده بازار خیره ار شده شخص نموده بود که شال  
قبای مزبور مال مشدی آقا جان نام است دلال مزبور  
گرفته در مقام تحقیق بر اده بودند ضعف نشان  
بود که این شال و قبا را ضعف مزبور به من نزد حنت است  
دار و غده زن مزبور را حاضر نموده بعد از تحقیق معلوم  
شده بود که مرکب این عمل اکبر نام دست بریده بوده  
که پیش ازین توپچی بود و سخته عمل سرفقت دست او بریده  
شده و از توپخانه اخراج گردیده است بعد از آنکه خبر  
شده بود که دردی او بروز کرده است فرار نموده و از  
سرفقت قدری پیدا شده و بصاحبش تسلیم گردیده  
و بقیه اسباب سخته فرار کردن در دوزخ نشت نیامده است

نان یکم هزار مثقال هشت پول  
گوشت بوزن ایضا یکم شش عباسی  
روغن یکم هزار مثقال چهار هزار  
برنج عنبر یک من ایضا شش عباسی  
برنج مشکین یک من ایضا شش عباسی  
برنج رسی یک من ایضا هفتصد دینار  
قنداری یک من بوزن ایضا شش هزار  
قندری یک من بوزن ایضا پنجاه و پنج  
بسات یک من بوزن ایضا پنجاه و چهار  
عس بوزن هزار مثقال چهار و یک عباسی  
چای خوب پنج سیر سه هزار و سیستای  
کنده بوزن هزار مثقال یکجودار بیجده هزار  
جو بوزن ایضا یکجودار دوازده هزار  
کاه بوزن ایضا یکجودار هفت هزار  
بیمه بادام بوزن ایضا یکجودار ده مال  
شمع بوزن ایضا یک من سه هزار و یک عباسی

دیگر نوشته بودند که عاشق علی نام شوریده و دیوانه شد بود

کرده بودند و روز مجس برده و قودت است

### عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب  
شاهزاده والا تبار چشم الدوله خان میرزا صاحب اختیار  
عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در انتظام امور  
آن صفحات و حصول امنیت و رفاه حال عربستان کامی  
دارند و بامور ولایت و احوال رعیت دقت و غور سعی  
تمام کرده اگر احوال و زیادتى نسبت بکسی شده باشد  
مقام رفیع آن بر می آید از جمله حاجی جابر خان که بحکومت  
محیره و آن اطراف مامور بود نسبت بانالی آنجا سولوک  
داشت و بعضی بدعتها و عوارضات تحمیل رعایا و کسبه  
نموده و مردم آنجا از تعذبات او بسوء آمده بودند  
بعض نواب معزی الیه رسیده مشار الیه را از حکومت  
آنجا معزول نموده و حکومت آنجا را پیش حکم که محصل  
سط العرب و حسن سلوک موصوف است مفوض داشته  
بهرای عالیجاه فتح الدخان یا در فوج امرائی لرستان  
دست سر باز از فوج مزبور با منظم آنجا روانه نموده اند  
امالی آنجا از این معنی زیاده راضی و شاکر و دعاگوی این دولت  
قوی بنیاد گردیده اند

و هم چنین سایر سرحدات آنجا از اتهامات نواب معزی  
انتظام تمام یافت و در بهر حال آدمی عادل کافی کاروان  
تعیین نموده اند که مراقب امور مالی و رعایای آن صفحات  
باشند و امالی اولایات مزبور بحال دسوده خاطر مشغول  
رعیتی و کار و کسب خود میباشند

و بیکر از انتظام فوج امرائی لرستان نوشته اند که همه  
مشغول مشق اند و با نظم تمام حرکت می کنند و امالی آنجا

کمال رضامندی از حسن سلوک فوج مزبور دارند که بکرات  
تخواه نقد جنس که از مردم کم شده بوده و سر باز آن  
فوج مزبور پیدا کرده اند و سر آن اموال فراوانی نموده و  
کرده اند تا صاحبان اموال رفته نشانی اموال خود را  
داوه و دریافت کرده اند

### فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند چون  
شهر و قلعه شیراز بواسطه زلزله سال گذشته خرابی  
بهم رسانده بود و تعمیر درستی لازم داشت لهذا در این  
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله که  
حکمران مملکت فارس قدغن نموده اند که بنای تعمیر آنجا را  
بگذارند و خدایت که مشغول تعمیر آنجا میباشند

دیگر نوشته اند که بواسطه بلخ خوارکی که چند سال متوالی  
در فارس میبود کندی در آنجا این اوقات نسبت  
متداول خیلی ترقی بهم رسانده است بطوری که خروار  
پنجهومان دارو ساخته میشود

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته شعبان رمضان نامی  
شیرازی با یک نفر سر باز دیگر که از جمله الواط شهر بوده اند  
بیرون دروازه رفته مشغول شربت شده اند درین مستی با  
حالت سکر و شرارت فطری رمضان مزبور کار دی بشکم  
رفیق خود زده او را مقتول ساخته است مراتب بعرض  
عبدالباقی میرزا نایب الحکومه رسیده بعد از تحقیق و  
بهرت با سنده غای در شه مقتول رمضان نام قاتل  
نواب معزی الیه حکم قصاص نموده و حسب حکم او را  
سیاست کرده اند

احتمال دول خارج

احوال مصر در آخر زمستان گذشته مشورتخانه کانا  
 یکی دینای شمالی آن گرفته و سونتم بود از فرار یکدین  
 خصوص در روزنامه فرانسه نوشته اند درین پنج سال  
 دو مرتبه مشورتخانه مزبور پیش گرفته است پنج سال پیش  
 اعتیاشی در میان خلق شد و اهل آنجا مشورتخانه مزبور را آتش زدند  
 و سبب آن ایام این بود که اهل مشورتخانه حکم کرده بودند  
 که هر وقت که در ولایت اعتیاشی شود و خلق متضرر شود  
 خلق از غمده متضررین بر ایند این آنجا از حد در این حکم رضایت  
 نداشتند درین آشوب و برسم خوردگی عمارت مشورتخانه  
 آتش زدند در آن اوقات مقصرین را گرفتند و دو بار  
 نظم در آنجا گذاشتند اما درین اوقات که مشورتخانه مزبور  
 دوباره آتش گرفته است عمارت پیش برده است بلکه از خصایص  
 اتفاقیه بوده است و در کس بخار بجا بر گرم شده بود و  
 از چوبها که نزدیک بود آتش گرفته و عمارت مزبور  
 سوخته بود و در وقت آتش گرفتن عمارت مزبور چنان  
 برودت داشت که آبها کلا پنج سببه بود و از خطبه بسیار  
 سبب آب پاشی نیز ممکن شده بود که آب پاشیده شد  
 خاموش نماید و باین سبب خاموش نمودن آتش آنجا  
 مشکل شده بود عمارت مزبور از جمله بهترین عمارت های دین  
 و معاش چمن وزع از سایر منسبنهای شهر بلند تر بود و چون که  
 لکت در کنار رودخانه سنت لارس است که از جمله رودخانه  
 معظم دیناست صفا و نظرات از خوب داشت و خرج  
 عمارت نزدیک سیصد هزار تومان پول ایران شده بود پیش  
 از آنکه این ولایت تصرف آنجا بیاید و تصرف پادشاهان

۱۱۳۲

فرانسه بود بعد از خلیفه ایچکاس از فرانسه گرفته و در اوقاتی که  
 این ولایت در دست پادشاه فرانسه بود درین شهر  
 بزرگ داشتند و این کتابها و بعضی از پردای گرانجا  
 و عمارت مزبور بود درین روزنامه ها نوشته اند که آیا کتابها  
 و پردای مزبور نیز سوخته بایمان  
 در روزنامه آلمانی نوشته اند که کشتی تجار تی از آن ولایت از  
 هکنزیه مصر بجزیره مالمه می آمد که بولایت انجلس برود در  
 طوفان شدید شده و جابو کشتی ضایع گردیده و بی اختیار بر  
 دریا افتاده بود و بطوریکه بهر طرف که ضرب امواج اورا حرکت  
 میداد میرفت درین کشتی بخار دولت عثمانیه که طایفه  
 سحری میامند با و راست آمد و صاحب منصب کشتی عثمانیه  
 از او رزیده بود که کار کشتی مزبور معوش است و بقاعده  
 حرکت میکند کشتی با باد آورده و طناب کشتی خراب شده  
 اورا ایلامت بشهر مالمه آورده بود و از او جدا و بار کشتی مزبور  
 هیچ یک تلف نشده و عیب نگردیده بود اهل تجارت مالمه  
 از این معنی بسیار اظهار امتنان از همه کرده کشتی عثمانیه که این  
 کشتی را با اهل و امواتش از غرقاب ساحل تجارت رساند  
 نموده بودند و کاغذی مبنی بر قدر خواهی و اظهار رضایت  
 بسیار با و نوشته بودند سر کرده مزبور نیز در جواب آنجا  
 نوشته بود که تکلیف آدمی این است که همیشه بقدر امکان بطرف  
 انسانیت را امر می دارد و مادام که از دستش براید نسبت  
 بخلق خوبی نماید و من بسیار خوشنمیدم از اینکه بتوانم  
 بکار اهل کشتیها بیایم  
 در روزنامه اسلاوون نوشته اند که در کوه که در کوه سیر  
 پادشاه انگلیس با اسلاوون در دست است و منسبای